

”%EF%BB%AE%EF%BB%9F%EF%BB%94%EF%BB%AA%EF%BB%AB%EF%BA%8E-
%D9%88-
%BY%EF%BA%8E%EF%BA%A7%EF%BA%BA%EF%BB%AB%EF%BA%8E%DB%8C-
%EF%BA%B3%EF%BA%92%EF%AE%8F-
%D8%B2%EF%BB%A7%EF%BA%AA%EF%AE%94%EF%AF%BD-
%D8%A7%EF%BA%B3%EF%BB%BC%EF%BB%A3%EF%AF%BD

گنجینه معارف (fa/Article/List/)

مولفه‌ها و شاخص‌های سبک زندگی اسلامی



(gif.97/سبک زندگی اسلامی/Article/Image/)

یکی از نظراتی که در سالهای اخیر توسط مقام معظم رهبری (مدظله العالی) خطاب به جوانان مطرح گردیده موضوع سبک می باشد که ایشان در سال ۱۳۹۱ در دیدار خود با جوانان استان خراسان شمالی این موضوع را مطرح نمودند و با توجه به موضوع فراخوان همایش، این موضوع به عنوان یکی موضوعات مرتبط با همایش انتخاب شد. روش مورد استفاده در این تحقیق روش اسنادی است. در این مقاله ابتدا تعاریف مختلف سبک زندگی و نظریه های مربوط به آن بیان شده و در ادامه شاخص های سبک زندگی و مولفه ها و شاخص های سبک زندگی اسلامی بررسی شده است. مولفه های سبک زندگی اسلامی شامل ده مولفه اجتماعی، عبادی، باورها به مفاهیم هستی شناختی، اخلاق، اقتصاد، سلامت، علم، دفاعی و زمان شناختی است. شاخص ها در دو بعد فردی و اجتماعی دسته بندی می شود. شاخص های فردی سبک زندگی اسلامی شامل خدا محوری و تقوا گرائی، تفکر، تلاش و کوشش، سالم نگه داشتن تن و صبر و خویشتن داری و شاخص های اجتماعی شامل تلاش و کوشش، اعتدال و میانه روی، پایبندی به خانواده، صلح و دوری از اسراف و تبذیر می باشد.

مقدمه

همانطوری که رانندگی در جاده نیاز به رعایت اصول و مقررات و وجود علائم و نشانه هایی دارد، شیوه زندگی هم نیاز به وجود برنامه، دیدگاه نظری و نحوه عملکرد دارد که تعیین این خط مشی زندگی همان سبک زندگی [۱] نام دارد (آرمند و رسولی نژاد، ۱۳۹۴: ۲). سبک زندگی یکی از مفاهیم علوم اجتماعی است که اگر چه در دهه های اول ظهور جامعه شناسی توسط صاحب نظرانی همچون «وبر» [۲]، «زیمل» [۳] و «آدلر» [۴] به کار رفته است، اما اکنون در آغاز هزاره سوم به واسطه فردی شدن بسیاری از جنبه های زندگی، مورد توجه جدی قرار گرفته است. سبک زندگی جنبه عینی زندگی انسانهاست که بر مبنای جنبه های ذهنی همچون ارزش ها و باورها شکل می گیرد و به مثابه ابزاری قابل مشاهده، فردیت هر عضو جامعه را باز نمایی می کند (اصمی اصطهباناتی و گروسی، ۱۳۹۳: ۵۱۶).

سبک زندگی از مفاهیم بسیار مهم علوم اجتماعی است که اغلب برای بیان روش زندگی مردم به کار می رود. این مفهوم منعکس کننده طیف کاملی از ارزش ها، عقاید و فعالیت های اجتماعی است. سبک زندگی از الگوهای فرهنگی، رفتاری و عاداتی شکل می گیرد که افراد به طور روزمره آنها را در زندگی فردی و اجتماعی خود به کار می گیرند. سبک زندگی شامل فعالیت های معمول و روزانه است که شخص آنها را در زندگی خود به کار گرفته و روی سلامت او تاثیر دارد. در واقع سبک های زندگی الگوهایی برای کنش هستند که مردم را از هم متمایز می کنند. سبک های زندگی کمک می کنند تا آنچه را مردم انجام می دهند و چرایی آن و معنایی که برای آنها و دیگران دارند را درک کنیم (چانی، ۱۳۷۸: ۱۱)؛ به عبارت دیگر اصطلاح شیوه زندگی به روش زندگی مردم اشاره داشته و بازتابی کامل از ارزش های اجتماعی، طرز برخورد و فعالیت ها می باشد.

همچنین ترکیبی از الگو های رفتاری و عادات فردی در سراسر زندگی است که در پی فرایند اجتماعی شدن به وجود آمده است (استاجی و همکاران، ۱۳۸۶: ۱۳۴).

در علوم روان شناسی، جامعه شناسی و علوم پزشکی که به مطالعه سبک زندگی می پردازند، بیش از آنکه به شناختها و عواطف فرد به صورت سازه های ذهنی نظر داشته باشند، رفتارهای فرد را به صورت عینی و مشهود مورد مطالعه قرار می دهند، ولی سبک زندگی اسلامی قدری متفاوت است؛ از آن جهت که سبک است، به رفتار می پردازد و با شناختها و عواطف ارتباط مستقیم ندارد و از آن جهت که اسلامی است نمی تواند بی توجه به نیتها باشد (کجباف، ۱۳۹۰، ج ۱: ۶۲).

در طی سالیان اخیر مقام معظم رهبری (مدظله العالی) در دیدارهای مختلف خود با جوانان موضوعات مختلفی را مطرح نموده اند که نیاز جوان امروز جامعه ماست و از جمله آنها موضوع سبک زندگی است.

مساله توجه به سبک زندگی از موضوعاتی است که مقام معظم رهبری طی دو سه سال اخیر آن را مطرح و بر ضرورت توجه به آن تاکید نموده اند. ایشان در سال ۱۳۹۱ در دیدار با جوانان استان خراسان شمالی به این موضوع پرداختند و آن را بخش اساسی و حقیقی پیشرفت و تمدن سازی نوین اسلامی خواندند و با دعوت از نخبگان و صاحبان فکر و اندیشه برای پرداختن به این مفهوم مهم، بر آسیب شناسی وضع موجود سبک زندگی در ایران و چاره جوئی در این زمینه تاکید نمودند.

«پیشرفت در علم و صنعت و اقتصاد و سیاست که بعد ابزاری تمدن اسلامی را شکل می دهد، وسیله ای است برای دستیابی به سبک و فرهنگ صحیح زندگی و رسیدن به آرامش، امنیت، تعالی و پیشرفت حقیقی».

از آن زمان تا کنون موضوع سبک زندگی و به ویژه «سبک زندگی اسلامی» [۵] مورد توجه پژوهشگران و اساتید حوزه و دانشگاه قرار گرفت و تا کنون تحقیقات زیادی پیرامون این موضوع انجام شده و همایش های مختلفی نیز در این زمینه برگزار شده است از جمله اولین همایش ملی سبک زندگی اسلامی (۱۳۹۱)، همایش خانواده و سبک زندگی در فرهنگ رضوی (۱۳۹۴)، همایش ملی سبک زندگی، نظم و امنیت (۱۳۹۴) و همایش ملی سبک و فرهنگ زندگی اسلامی در دنیای معاصر (بایسته ها، آسیب ها و راهکارها) (۱۳۹۴).

با توجه به اعلام فراخوان همایش ملی حجاب، عفاف و سبک زندگی، این موضوع به عنوان یکی از موضوعات مرتبط با همایش انتخاب و در این مقاله سعی شده ضمن تعریف وازه سبک زندگی و نظریه های مطرح شده پیرامون آن، مولفه ها و شاخصه های سبک زندگی اسلامی بررسی شود.

تعریف سبک زندگی

سبک زندگی یکی از مولفه های کلیدی مفاهیم علوم اجتماعی نوین به شمار آمده و در بررسی های اجتماعی و فرهنگی معاصر به تدریج جایگاه خاصی یافته است. امروزه مفهوم سبک زندگی در زبان انگلیسی در معانی گوناگونی مانند نوع، روش، سبک اثاثیه، کیفیت برتر در ظاهر، طراحی یا رفتار، تطابق با معیار شناخته شده، شیوه ای که برانزده و مناسب پنداشته می شود، خصوصا در رفتار اجتماعی؛ زیبایی، ظرافت یا سهولت و شیوه یا تکنیک به کار می رود (وبستر، ۲۰۰۴: ۵۴۸). همچنین، این مفهوم با معانی نحوه عرضه، خصوصا در موسیقی یا یکی از هنرهای زیبا، ترکیب طرح های مشخص ادبی یا فرضیه های هنری (وبستر، ۱۹۹۶: ۹۸)، شیوه ای که در آن چیزی گفته یا انجام می شود، مثل سبک سخنرانی یا نوشتن (آمریکن هریتیج، ۲۰۰۰: ۶۲۴)، طریقه نوشتار و یا گفتار که در مقابل محتوا قرار دارد، طریقه انجام چیزی به خصوص زمانی که ویژگی یک هنرمند یا دوره هنری باشد به کار می رود (آکسفورد، ۱۹۸۷: ۲۳۵). علاوه بر آن، مفهوم سبک زندگی به معنی شیوه و روش انجام چیزی خصوصا شیوه ای که برای فرد، گروهی از مردم، مکان یا دوره ای نوعی باشد، اجزا یا انجام اموری که تمایز دهنده فرد یا گروه یا سطح خاصی باشد (وبستر، ۱۹۹۶: ۴۵۲)، طرز نگرش خاص فردی و سلیقه که بیانگر و ممیز راه زندگی است (وبستر، ۲۰۰۴: ۲۱۴) و شیوه انجام چیزی خصوصا راهی که نشان دهنده تاکید بر طرز نگرش خاص یا مشخصه دوره معینی باشد، به کار گرفته شده است (ام ان انکارتا، ۲۰۰۴: ۲۳۶).

آلفرد آدلر از این اصطلاح برای اشاره به حال و هوای زندگی فرد استفاده کرد. سبک زندگی هدف فرد، «خودپنداره» [۶]، احساس های فرد نسبت به دیگران و نگرش فرد نسبت به دنیا را شامل می شود (فیست و فیست، ۱۳۹۴: ۹۷).

«لیزر» [۷] (۱۹۶۳) سبک زندگی را براساس الگوی خرید کالا تعریف می کند. به نظر وی سبک زندگی نشان دهنده شیوه زندگی متمایز جامعه یا گروه اجتماعی و نشان دهنده شیوه ای است که مصرف کننده در آن خرید می کند و شیوه ای که کالای خریداری شده مصرف می شود، بازتاب دهنده سبک زندگی مصرف کننده در جامعه است (خوشنویس، ۱۳۸۹: ۱۰).

«یاسر من» [۸] (۱۹۸۳) سبک زندگی را الگویی از مصرف می داند که دربردارنده ترجیحات، ذائقه و ارزش هاست (ربانی و رستگار، ۱۳۸۷: ۴۵)؛ سبک زندگی به مثابه مجموعه منسجمی از انتخاب ها، ترجیحات و رفتارهای مصرف گرایانه است (همان منبع).

از دیدگاه «سویل» [۹]، سبک زندگی عبارت است از هر شیوه متمایز و بنابراین قابل تشخیص زیستن (چاوشیان و ابادری، ۱۳۸۱: ۲۴). «سولومون» [۱۰] اعتقاد دارد که هر جامعه ای دارای سبک و شیوه زندگی متفاوتی است. سبک زندگی، فعل و انفعال فرد را در محیط زندگی او نشان می دهد. در جوامع سنتی انتخاب های مبتنی بر مصرف به شکل گسترده ای براساس طبقه، کاست، محیط روستا یا خانواده دیکته می شود؛ در حالی که در جوامع مدرن به هر حال مردم دارای آزادی عمل بیشتری در انتخاب کالاها و خدمات و فعالیت هایی هستند که به نوبه خود هویت اجتماعی را خلق می کند (رسولی، ۱۳۸۲: ۵۴).

به نظر «آرتور آسابرگر» [۱۱] برای تعریف اصطلاح «life style» با واژه فراگیری روبرو هستیم که از سلیقه فرد در زمینه آرایش مو و لباس تا سرگرمی و تفریح و ادبیات و موضوعات مربوط دیگر را شامل می شود. کلمه «سبک»، «مد» را تداعی می کند؛ پس سبک زندگی در واقع مد یا حالت زندگی یک فرد است (همان منبع).

برداشت «گیدنز» [۱۲] از مقوله سبک زندگی عبارت است از: «تلاش برای شناخت مجموعه منظمی از رفتارها یا الگویی از کنش ها که افراد آنها را انتخاب کرده و کنش های آن ها در زندگی روزمره به واسطه آنها هدایت می شود» (خوشنویس، ۱۳۸۹: ۱۱).

«سازمان بهداشت جهانی» سبک زندگی را این گونه تعریف می کند: «اصطلاح سبک زندگی به روش زندگی مردم و بازتابی کامل از ارزش های اجتماعی، طرز برخورد و فعالیت ها اشاره دارد. همچنین ترکیبی از الگوهای رفتاری و عادات فردی در سراسر زندگی (فعالیت بدنی، تغذیه، اعتیاد به الکل و دخانیات و...) است که در پی فرایند جامعه پذیری به وجود آمده است» (فیضی، ۱۳۹۲).

«محمد فاضلی» در کتاب «مصرف و سبک زندگی»، معنای این واژه را عبارت می داند از طیف رفتاری ای که اصلی انسجام بخش بر آن حاکم است و عرصه ای از زندگی را تحت پوشش دارد و در میان گروهی از افراد جامعه قابل مشاهده می باشد و الزاما برای همگان قابل تشخیص نیست؛ اگر چه محقق اجتماعی میان آن و بقیه طیف رفتارهای افراد جامعه، تمایز قائل می شود (فاضلی، ۱۳۸۲: ۸۳). نویسنده «کتاب دین و سبک زندگی» می نویسد: «سبک زندگی عبارت است از الگوی هم گرا (کلیت تامی) یا مجموعه منظمی از رفتارهای درونی و بیرونی، وضع های اجتماعی و دارایی ها که فرد یا گروه بر مبنای پاره ای از تمایلات و ترجیح ها (سلیقه اش) و در تعامل با شرایط محیطی خود ابداع یا انتخاب می کند. یا به اختصار، «سبک زندگی، الگو یا مجموعه نظام مند کنش های مرجح است» (مهدوی کنی، ۱۳۸۷: ۷۸). در تعریفی دیگر چنین آمده است: سبک زندگی، عبارت است از الگوی زندگی فردی که در فعالیت ها، دلبستگی ها و افکار شخصی، خود را نشان می دهد (شوشتی زاده، ۱۳۸۲: ۸۴).

برخی نیز سبک زندگی را با «هویت» پیوند می زنند: سبک زندگی نظام واره و سیستم خاص زندگی است که به یک فرد، خانواده یا جامعه با هویت خاص اختصاص دارد. این نظام واره، هندسه کلی رفتار بیرونی و جوارحی است و افراد، خانواده ها و جوامع را از هم متمایز می سازد (شریفی، ۱۳۹۱: ۱۴۶). این تعریف به گونه ای هویت فرد را در برابر دیگران به نمایش می گذارد. وی در جای دیگری منظور از سبک زندگی را چنین بیان می کند: مجموعه ای از رفتارها و عملکردهایی که یک فرد به منظور تامین نیازها و احتیاجات روزمره خود به کار می گیرد. شیوه زندگی هر فردی بیانگر هویت و معرف شخصیت آن فرد است (همان منبع). مولف کتاب «سبک زندگی اسلامی و ابزار سنجش آن»، سبک زندگی را این گونه تعریف می نماید: «شیوه ای نسبتا ثابت که فرد اهداف خود را به آن طریق دنبال می کند (کاویانی، ۱۳۹۱: ۱۶).

تاریخچه سبک زندگی

سبک زندگی در ادبیات موجود علوم اجتماعی مفهومی نسبتاً جدید است. چنان که بعضاً پدیدار شدن سبک زندگی را در زمره اختصاصات «جامعه مدرن متأخر» قلمداد کرده اند. طبیعی است چنانچه سبک زندگی را در مفهومی صرفاً تحت اللفظی و خنثی فهم کنیم، تلقی آن به مثابه امری نوظهور اسباب تعجب را فراهم خواهد کرد. زندگی آحاد بشر در اعصار و جوامع مختلف همواره بر اساس مجموعه ای از قواعد و مناسبات معین نظم و نسق یافته است و طبعا می تواند در وسیع ترین معنا واجد سبک قلمداد شود؛ اما در ادبیات علوم اجتماعی مفهوم سبک زندگی محتوایی فراتر از این دارد و به واسطه این محتوای مشخص است که از اصلی ترین نشانه های تحولات اجتماعی و فرهنگی سه دهه اخیر غرب به حساب می آید. البته پیگیری و جستجوی مفهوم سبک زندگی، ما را به مواردی از استخدام آن در متون جامعه شناختی پیش از سه دهه اخیر نیز رهنمون خواهد ساخت. بیشتر اوقات در روایت فرآیند تکوین مفهوم سبک زندگی، به ریشه های آغازین و اولین مفهوم بندی های ارائه شده از آن در کار کسانی چون ماکس وبر، گئورگ زیمل، «تورشتاین وبلن» [۱۳] و دیگران در سال های آغازین قرن بیستم اشاره می شود (صفا هرندی، ۱۳۸۹: ۶۱).

این ریشه یابی به یک معنا عناصری از واقعیت را نیز با خود دارد؛ اما روشن است که مفهوم جدید سبک زندگی به وضوح فراتر از چیزی است که در آن مفهوم بندی های اولیه منعکس گردیده است. به عنوان مثال وبر مفهوم سبک زندگی را در ذیل مقوله منزلت یا احترام به عنوان یکی از اضلاع سه ضلعی مشهور خود (ثروت - قدرت - منزلت) تعریف می کرد. در این تعریف عملاً سبک زندگی مفهومی را کم و بیش مترادف با فرهنگ می یافت. با وجود این که مفهوم جدید سبک زندگی در زمینه ی مباحثاتی شکل گرفته که از کار وبر به طور عام و دسته بندی سه گانه ثروت - قدرت - منزلت به طور خاص متأثر است، اما درک فاصله مفهوم جدید سبک زندگی با فهم وبر، کار دشواری نیست. در ادبیات جدید جامعه شناسی فرهنگ و مطالعات فرهنگی، سبک زندگی اساساً امری متفاوت از فرهنگ (البته نه غیرمرتبط با آن) تعریف می شود. این تفکیک بیش از هر چیز به سبب نسبتی است که میان مفهوم سبک زندگی با گسترش فردیت و اخلاق فردگرایانه در جامعه جدید برقرار می شود.

فرهنگ مجموعه منسجمی از ایده ها، ارزش ها، هنجارها، نمادها و آداب و رسوم است که فرد به واسطه دریافت و تطبیق خود با آنها امکان مشارکت در زندگی اجتماعی را می یابد. البته مواجهه فرد با فرهنگ لزوماً منفعلانه نیست؛ اما در نهایت فرهنگ مقوله ای فرافردی و کلان باقی خواهد ماند. در مقابل سبک زندگی در مفهوم جدید آن بیشتر محصولی از انسان فردیت یافته ای که آن را خلق می کند، قلمداد می شود. البته سبک زندگی نیز امری اجتماعی است. به تعبیری می توان آن را تابلوی نقاشی «کولاژی» دانست که تکه پاره های به کار رفته در آن از متن زندگی اجتماعی فراهم می آید؛ اما نهایتاً نوع تلفیق و ترکیب آنها گویی چیزی است که انسان مابعدتجددی فردیت یافته بر حسب ذوق و سلیقه خود آن را می سازد. البته این «ساخت» و سلیقه سازنده آن به شدت سیال، متغیر و دلیخواهی است. شاید این اصلی ترین تفاوتی است که مفهوم سبک زندگی با فرهنگ دارد: سبک زندگی مقوله ای اساساً سیال، لغزنده و غیرقطعی است. سبک زندگی ریشه در ذائقه و سلیقه دارد. از این جهت شاید بتوان در میان پیشکسوتان جامعه شناسی کسی که بیش از همه به معنای جدید سبک زندگی نزدیک شده بود را زیمل دانست.

در واقع این زیمل بود که اول بار مفهوم سبک زندگی را در نسبت مستقیم با فردگرایی مدرن و تلاش فرد مدرن برای ظاهر ساختن «یکتایی هستی خود» تعریف کرد. البته او در دهه های آغازین قرن بیستم از امکانات جامعه جدید - به ویژه در چارچوبی به نام کلان شهر- برای امکان پذیر

ساختن چنین وضعیتی سخن می گفت. اما به طور حتم دهه های پایانی این قرن شواهد و نشانه های عینی بیشتری را در جهت نشان دادن امر فراهم آورده است (همان منبع).

مفهوم جدید سبک زندگی را می باید در نسبت مستقیم با تحول مهم اندیشه و علوم اجتماعی غرب در اوایل دهه ۱۹۸۰ فهم کرد. این تحول که بعضا با عنوان «چرخش فرهنگی» [۱۴] از آن یاد می شود، به اهمیت یافتن بیشتر مفهوم فرهنگ و توابع و مشتقات آن در علوم اجتماعی منجر شد. در واقع اصحاب چرخش فرهنگی معتقد بودند نظریه های کلاسیک علوم اجتماعی در دهه های پایانی قرن نوزدهم و ابتدای قرن بیستم در تعامل با شرایط خاصی پدید آمدند که دگرگون شدن این شرایط ایجاد تحول بنیادین در این حوزه را به یک الزام مبدل ساخته است.

مهمترین وجه این دگرگونی در انتقال مرکز ثقل جامعه جدید از تولید به مصرف و از اقتصاد به فرهنگ بود. رشد بخش خدمات، گسترش بروکراسی و آموزش عمومی شکل بندی اجتماعی جامعه صنعتی را به کلی متفاوت از مقطع پایانی قرن نوزدهم و آغاز قرن بیستم ساخت. به طور مشخص از جهت ترکیب طبقاتی، جامعه صنعتی نیمه دوم قرن بیستم به طور متزایدی متشکل از طبقه متوسط جدید بزرگ و فریبهی بود که بخش اعظم صحنه اجتماعی را اشغال می کرد.

در چنین وضعیتی اساسا تحلیل های طبقاتی که سابق بر این نقشی کلیدی در مباحثات علوم اجتماعی (بالاخص نظریه های چپ) داشت، بلاموضوع به نظر می رسید. در این شرایط مفهوم سبک زندگی به عنوان یک ابزار تحلیلی جایگزین طبقه و مشتقات آن که دست کم از نظر اصحاب چرخش فرهنگی دیگر توانایی خود در تشریح وضعیت های جدید اجتماعی را از دست داده بودند، گردید. از این رو نه تنها پیدایی «سبکهای زندگی» مشخصه وضعیتی که از آن با تعبیری چون «جامعه اطلاعاتی»، «جامعه پسا صنعتی» و «وضعیت ما بعد تجدیدی» (پست مدرن) یاد می شود، قلمداد شد که این مفهوم به مثابه یک ابزار تحلیلی مناسب برای سنخ شناسی و دسته بندی افراد این جامعه شناسایی گردید. در عین حال چنین تحولی عرصه سیاست را نیز از خود متأثر ساخت. برخی تحلیل گران سیاسی و اجتماعی، از به حاشیه رفتن مسائل طبقاتی و پررنگ شدن مسائلی چون هویت و سبکهای زندگی در عرصه سیاسی و رقابت های انتخاباتی احزاب جوامع صنعتی سخن گفته و از آن با عنوان «سیاست زندگی» یاد کرده اند (همان منبع).

گستره و حوزه مفهوم سبک زندگی خالی از مناقشات بی پایان اصحاب علوم اجتماعی نبوده است. برخی تلاش کرده اند تا با قرار دادن سبک زندگی ذیل مفهوم طبقه اجتماعی پویایی و غنای بیشتری بدان (طبقه) بخشند؛ اما در مقابل عده بیشتری سبک زندگی را مفهومی در عرض طبقه و امری ورای تقسیمات طبقاتی قلمداد کرده اند. این که آیا سبک زندگی فقط رفتار و نموده های بیرونی فرد را شامل می شود یا ذهنیت و نگرش او را نیز در بر می گیرد، محل نزاع دیگری بوده است.

اغلب قلمرو این مفهوم آن چنان گسترده تعریف شده است که همه چیز، از الگوی مصرف، نوع پوشش، دکوراسیون خانه و محل کار، ژست های رفتاری، نحوه صحبت، فعالیت های اوقات فراغت تا نگرش های سیاسی و اجتماعی و علاقه مندی های شخصی را در بر می گیرد. با این وجود بخش اعظم کارهای تجربی که در آن از سبک زندگی به عنوان یک ابزار تحلیلی استفاده شده، این مفهوم را در نسبت با دو مقوله مورد استفاده قرار می دهند: الگوی مصرف و اوقات فراغت. چنان که بیراه نیست اگر این دو را مولفه های اصلی تعیین و تشکیل سبک زندگی قلمداد کنیم. بیان رابطه ی تنگاتنگ سبک زندگی با مصرف و اوقات فراغت اگر چه نوعی اخبار از چارچوب مفهومی خاص است، ولی در ورای آن می تواند حاوی بصیرتی غرب شناسانه نیز باشد و ما را در تلقی ضمنی موجود از مفهوم زندگی در جامعه مدرن متأخر یاری کند (همان منبع).

نظریه های سبک زندگی

در جریان رواج مصرف گرایی و امکان انتخاب و گزینش کالاها، افراد صاحب سبک زندگی شدند. نشانه های گسترش سبک زندگی حاصل از جامعه مصرفی را جامعه شناسانی چون وبلن، وبر و زیمل در اوایل قرن بیستم به تصویر کشیدند. وبلن و زیمل سبک زندگی طبقه متوسط کلان شهر را تصویر کردند. سبکی که در آن مصرف لباس، زیور آلات و انواع کالاهای لوکس نقشی محوری داشت (نیازی و کارکنان نصر آبادی، ۱۳۹۰: ۱۸۵). لذا در ادامه به نظریه های آنها و همچنین نظریه بوردیو و دیگران پیرامون سبک زندگی اشاره می شود.

۱- تورشتاین وبلن

از دیدگاه تورشتاین وبلن، داشتن سبکی خاص به معنای چیزی بیشتر از علایق خاص فراغت است. داشتن سبک زندگی خاص و خودنمایی برای نشان دادن تعلق به گروهی خاص در جامعه به برجسته کردن تمایزهای گروه های دیگر منجر شده است. به نظر وی ثروت مهمترین عامل کسب منزلت است که باید نمود خارجی داشته باشد و بهترین نمود آن «مصرف تظاهری و نمایشی» است. برای نمونه، افراد با نوع پوشش، آرایش و زیور آلات، خود و طبقه خود را از سایرین متمایز می کنند (همان منبع: ۱۸۶).

به نظر وبلن طبقه مرفه یا تن آسای، ابتدا از طریق کسب مال و ثروت تشکیل شد. ثروت بیشتر قدرت بیشتری را برای این طبقه به همراه آورده است. داشتن ثروت اگرچه منبع منزلت بوده است، لیکن نشان دادن این ثروت افتخارآمیز است. به نظر وی فراغت خودنمایانه که از طریق اشتغال فرد به کارهای غیر تولیدی نمایش داده می شد، نشان دهنده ثروت فرد بود. کار غیر تولیدی نشان می داد که فرد برای فراغت و تفریح کار می کند و اشتغال به کار مولد به طبقات پایین تر اختصاص دارد. فراغت خودنمایانه در اجتماعات کوچک کاربرد داشت، ولی در جامعه شهری امکان نمایش ثروت از این طریق میسر نبود. در مرحله شهرنشینی این مصرف خودنمایانه است که در خدمت نشان دادن ثروت قرار می گیرد. وبلن فکر می کرد که طبقات مرفه بدین وسیله به اقتدار هنجاری دست می یابند و خود را به الگوی جامعه تبدیل می کنند (رستمی و اردشیر زاده، ۱۳۹۲: ۱۲).

وبلن پدیده «مد» [۱۵] را نیز به کمک انگیزش های اجتماعی رفتار رقابت آمیز تبیین می کرد. مد مختص به طبقه بالایی است که می خواهد نشان دهد برای کسب درآمد مجبور به کارکردن نیست. مد در سطح جامعه توسعه می یابد و از سوی طبقات پایین تر تقلید می شود. طبقات بالاتر نیز برای حفظ موقعیت اجتماعی خود صور جدیدتری از الگوهای مصرف می آفرینند. «به روز بودن» معیاری است که طبقه مرفه برای بازتولید جایگاه مرفه مسلط خود تعریف می کند (همان منبع).

دو پدیده دیگر که وبلن آنها را به کمک نظریه خود تبیین می کند عبارتند از تجمل گرایی زنان و برخی فعالیت های ثروتمندان. در نظر وبلن در زمانه او مردان آمریکایی قدرت و ثروت خود را از طریق زنانشان نمایش می دادند. این ایده وبلن بازتولید پدر سالاری در قالب های زیرکانه تر است. زنان هم از طریق اقتباس الگوی مصرفی و هم ترتیب دادن منزل و خانه ای که احترام دیگران برای قدرت و ثروت شوهر را برانگیزد، پدر سالاری موروثی را باز تولید می کنند. وبلن سبک زندگی را پدیده ای گروهی می داند، چیزی که محصول تعلق طبقاتی بوده و ماهیت مستقلی نیز ندارد و نمودی از وجود طبقاتی است (همان منبع).

به هر حال وبلن تنها جامعه شناس کلاسیکی است که به تحلیل پدیده مصرف پرداخته و به همین دلیل در مباحث مربوط به مصرف و سبک زندگی جایگاه خاصی را داراست (همان منبع). به نظر وبلن مصرف چشمگیر، تن آسانی چشمگیر و نمایش چشمگیر نمادهای بلند پایگی، وسایلی هستند که انسانها با آنها می کوشند تا در چشم همسایگان شان برتر جلوه کنند و در ضمن برای خودشان نیز

ارزش بیشتری قائل شوند، چرا که مصرف چشمگیر کالاهای گران قیمت، وسیله کسب آبرومندی برای نجیب زادگان تن آسان است (نیازی و کارکنان نصر آبادی، ۱۳۹۲: ۱۸۶). وبلن در جایی سبک زندگی فرد را الگوی رفتار جمعی می داند - این رفتارها از جنس رسوم و عادات اجتماعی و روش های فکری اند - او در جای دیگر سبک زندگی فرد را تجلی رفتاری مکانیسم روحی، عادات فکری و معرفت او قلمداد می کند (رستمی و اردشیر زاده، ۱۳۹۲: ۱۲).

۲- جورج زیمل

زیمل سبک زندگی را تجسم تلاش انسان می داند برای یافتن ارزش های بنیادی یا به تعبیری فردیت برتر خود در فرهنگ عینی اش و شناساندن آن به دیگران، به عبارت دیگر انسان برای معنای مورد نظر خود (فردیت برتر)، شکل (صورت) های رفتاری را بر می گزیند. زیمل توان چنین گزینشی را سلیقه و این اشکال به هم مرتبط را سبک زندگی می نامد. او در جایی معتقد است سبک زندگی، عینیت بخشی به ذهنیات در قالب اشکال شناخته شده اجتماعی است، نوعی بیان فردیت برتر و یکتایی در قالبی است که دیگری این یکتایی را درک کند (فتحی و مختاریپور، ۱۳۹۳: ۱۰۹).

زیمل در تحلیل مصرف گرایی جامعه مدرن، بر مقوله ای همچون مد تاکید نموده است. به نظر وی، مصرف کالاها و ایجاد سبک های زندگی از سویی برای افراد هویت بخش بوده و از سویی دیگر متمایز کننده است. زیمل در مقاله مد دلایل متعدد تغییر مد در فرهنگ مدرن را بررسی نموده و نتیجه می گیرد که مردم سریعتر به مدهای جدید و متفاوت جذب می شوند؛ زیرا می خواهند به هویت های شخصی متمایز خود شکل دهند. به نظر زیمل، در جوامع اولیه، افراد هویت خود را از گروه می گرفتند و از این رو، بسیار همگن بودند؛ اما در جوامع مدرن فرآیند هویتی فردی شده است. به نظر وی در شهرهای بزرگ، شخص مصرف می کند تا هویتی را که دوست دارد برای خود بسازد. بر این مبنا، اگرچه دنیای مدرن منجر به آزادی فرد از اسارت شده، اما خود محدودیت هایی را برای فرد ایجاد کرده است؛ به نحوی که افراد برای حفظ آزادی خود به پدیده هایی چون مد پناه می برند تا به واسطه آن هویت خود را تعریف کنند (نیازی و کارکنان نصرآبادی، ۱۳۹۲: ۱۸۶ - ۱۸۷).

زیمل در عین پذیرش تمایز میان صورت ها (رفتار محتمل در چارچوب فرهنگی عینی) و معنا (فردیت برتر) صورت های برگزیده و نحوه چینش آنها را که همانا سبک باشد در ارتباط با معنا می بیند. تعریف زیمل از سبک زندگی عبارت است از:

«سبک زندگی کل به هم پیوسته صورت هایی است که افراد یک جامعه مطابق انگیزه های درونی و سلیق خودشان و به واسطه تلاشی که برای ایجاد توازن میان شخصیت ذهنی و زیست محیط عینی و انسانیشان به انجام می رسانند برای زندگی خود بر می گزینند» (رستمی و اردشیر زاده، ۱۳۹۲: ۱۳). به اعتقاد زیمل فرد از طریق بسط شدید فردگرایی که هدف آن دنبال کردن نمادهای منزلت و مد است، می تواند فشارهای زندگی مدرن را تحمل کند. اینگونه مصرف کردن راهی برای «اثبات خود» و حفظ اقتدار فردی است. در نظر زیمل مد علاوه بر آنکه منبعث از فشارهای ساختاری کلان شهر است، نماد تمایز طبقاتی نیز هست. در اینجا توجه زیمل به کارکرد دوگانه مد آشکار است. مد از یک جهت اعلام تمایل برای متمایز شدن از دیگران و بیان هویت فردی و خواست فردیت است، اما از جنبه دیگر جنبه طبقاتی دارد و سبب همبستگی گروهی و تقویت انسجام اجتماعی - طبقاتی است. مد بدین لحاظ احساس با دیگران بودن را در فرد تقویت می کند (همان منبع: ۱۳-۱۴).

زیمل به دلیل اینکه انگیزه درونی و عوامل موثر بر شکل گیری الگوهای مصرف را بررسی کرده در جامعه شناسی پیشرو است. او به بررسی تاثیر تغییرات اجتماعی - ظهور کلان شهر- بر الگوهای مصرف پرداخت. میراث این خط سیر فکری زیمل را می توان در مجموعه تحلیل هایی دنبال کرد که

شهر مدرن را جایی برای خرید کردن، کلوب رفتن و در یک کلام مصرف می داند (همان منبع: ۱۴).

در کل زیمل در تحلیل مصرف گرائی جامعه مدرن، بر مقوله ای همچون مد تاکید دارد. به نظر وی مصرف کالاها و ایجاد سبک های زندگی، از سویی برای فرد هویت بخش بوده و از سوی دیگر متمایز کننده است (خواجه نوری، ۱۳۹۰، ب: ۲۸).

۳- ماکس وبر

ماکس وبر در میان جامعه شناسان کلاسیک تنها کسی است که بدون هیچ گونه اندیشه مبسوطی درباره مصرف و نقش آن در دنیای مدرن از مفهوم سبک زندگی استفاده کرده است. وبر برای بررسی قشربندی اجتماعی سه مفهوم طبقه، گروه منزلت و حزب را معرفی می کند. وبر و دنباله روان اندیشه وی به مباحثاتی درباره منزلت دامن زده اند.

چلار [۱۶] از قول ایستمن [۱۷]، گلداشمیت [۱۸] و فلاین [۱۹] سه منبع انتصابی (منزلت موروثی)، اکتسابی (موفقیت شغلی) و مصرف منزلتی (خرید کالای لوکس) را ذکر می کنند. بوروکز [۲۰] و ساوتورث [۲۱] هم با استناد به نوشته های وبر، سه منبع سبک زندگی، تحصیلات رسمی و پرستیژ موروثی یا شغلی را منبع منزلت می دانند (رستمی و اردشیرزاده، ۱۳۹۲: ۱۴).

مفهوم سبک زندگی حاصل بسط تاملات وبر درباره گروه های منزلت است. به اعتقاد تامین [۲۲]، ماکس وبر واژه سبک های زندگی را برای اشاره به شیوه های رفتار، لباس پوشیدن، سخن گفتن، اندیشیدن و نگرش هایی که مشخص کننده گروه های منزلتی متفاوت بودند و در ضمن الگویی برای کسانی که می خواستند جزئی از این گروه های منزلتی متفاوت باشند، به کار گرفت (همان منبع).

دنيس رانگ [۲۳] در مقاله ای در مورد اندیشه های وبر می گوید: «منظور وبر از سبک زندگی، ارزش ها و رسم های مشترکی است که به گروه، احساس هویت جمعی می بخشد». جیمز مک کی [۲۴] در مورد دیدگاه وبر می گوید: «آنچه وبر سبک زندگی می نامد به روش هایی باز می گردد که طبقات و گروه های هم رتبه از نوعی از زندگی پدید می آورند؛ بنابراین، وبر سبک زندگی را معادل قشر اجتماعی نمی داند، بلکه معرف آن می شناسد. به بیان دیگر، آن را چیزی معرفی می کند که مرزهای نامشخص موقعیت و قشر اجتماعی را تعیین می کند. وبر، سبک زندگی را از جنس رفتار می داند که تمایلات، آن را هدایت می کند و فرصت های زندگی بستر بروز آن را فراهم می نماید» (همان منبع: ۱۵).

به این ترتیب وبر، دایره مفاهیم تحلیل قشربندی اجتماعی را وسعت بخشید. به کمک مفاهیم وبر می توان نابرابریها و تفاوتها را در سطح عمودی و افقی دنبال کرد. برای مثال مفهوم مارکسی طبقه قادر است جامعه را به صورت عمودی و سلسله مراتبی طبقه بندی کند، اما مفهوم منزلت قادر است تنوع منزلت ها را درون یک واحد طبقاتی بسنجد و مفهوم سبک زندگی قادر است تنوع رفتارها در درون یک واحد منزلتی یا طبقاتی را بخش بندی نماید؛ بنابراین به زعم وبر، سبک های زندگی علاوه بر آنکه موجب تفاوت بین گروهی می شوند به برتری های منزلتی و طبقاتی مشروعیت می بخشند. گروه های منزلت و طبقات از طریق سبک های زندگی به گروه های مرجع تبدیل می شوند و معیارهای قضاوت اجتماعی و ارزیابی اخلاقی را نیز تعریف می کنند (همان منبع).

دستاورد دیگر وبر، تاکید نهادن بر کارکرد سبک های زندگی در جهت انسجام بخشیدن به گروههای اجتماعی است. در نظر وبر، افرادی که سبک زندگی مشابهی دارند نوعی انسجام گروهی را که ناشی از شباهت در رفتار و الگوی مصرف است تجربه می کنند. این انسجام گروهی می تواند به سرمایه

اجتماعی نیز تبدیل شود. وجه دیگر انسجام اجتماعی ناشی از سبک زندگی مشابه، ناظر بر تبدیل شدن سبک های زندگی به خرده فرهنگ است. به عقیده آنسباخر [۲۵]، وبر سبک زندگی را چنان به کار می برد که گویی از خرده فرهنگ سخن می گوید (همان منبع).

۴- دوگلاس [۲۶] و ایشروود [۲۷]

همانگونه که در بالا بیان شد به اعتقاد وبلن، چشم و همچشمی و رقابت منبع شکل گیری مصرف مدرن است. زیمیل نیز متمایز کردن خود از دیگران - به واسطه مد - را محرک مصرف می دانست (همان منبع: ۱۶). دوگلاس و ایشروود (۱۹۹۶) متجلی کردن و ثبات بخشیدن به مقولات فرهنگ را محرک مصرف می دانند. به نظر آنان چون کالاها وجه نمادین دارند قادرند به عنوان ابزار مبادله و ارتباط به کار گرفته شوند، مصرف کالاها برای حفظ ارتباط و انسجام، جلب حمایت دیگران و ابراز مهربانی کردن لازم اند (آجیلی و بیکی، ۱۳۹۲: ۸۹). بدین ترتیب مصرف «فعالیت مناسکی» است و همه کارکردهایی که بر فعالیت مناسکی مترتب است در خصوص مصرف نیز قابل ذکر است؛ بنابراین بر اساس نظریه دوگلاس و ایشروود، کالا و زبان کارکرد یکسانی دارند که همان ارتباط و معنا دادن است (رستمی و اردشیر زاده، ۱۳۹۲: ۱۶).

۵- پیر بوردیو

پیر بوردیو در آگوست سال ۱۹۳۰ در دهکده دانگن در کوهپایه های پیرنه در جنوب غرب فرانسه به دنیا آمد. در سال ۱۹۵۵ در سن ۲۵ سالگی فوق دکترای خود را در رشته فلسفه گرفت. بوردیو نخستین آثارش را به بررسی تغییرات اجتماعی در الجزایر اختصاص داد. بوردیو، در سال ۱۹۶۴ به ریاست موسسه مطالعاتی اکول پراکتیک برگزیده شد. همچنین در سال ۱۹۶۸ به ریاست مرکز جامعه شناسی اروپایی برگزیده شد. سپس در سال ۱۹۹۳ مرکز ملی تحقیقات علمی (CNRS) مدال طلائی را به عنوان عالی ترین جایزه به وی اعطا کرد. بوردیو در ژانویه سال ۲۰۰۲ در اثر بیماری سرطان در سن ۷۱ سالگی درگذشت. تأثیر بوردیو بر جامعه شناسی فرهنگی بسیار قابل تأمل است. او میراث عظیمی از خود به جای گذاشت، نوآوری بوردیو در جامعه شناسی فرانسه به سرعت مرزهای این کشور را پشت سر گذاشت و شهرتی جهانی برای او ایجاد کرد.

آثار بوردیو عبارتند از: نظریه کنش، دلایل عملی و انتخاب عقلانی - علم و تأمل پذیری - عکاسی هنر میان مایه - درسی درباره درس - درباره تلویزیون و سلطه ژورنالیسم - تمایز- انسان آکادمیک- سلطه مردان - شعور علمی - پرسش های جامعه شناسی - وارثان، دانشجویان و فرهنگ - ساختارهای اجتماعی اقتصاد- فلاکت آدم ها- اندیشه های پاسکالی - ذات شناسی سیاسی مارتین هایدگر - زبان و قدرت نمادین و... پیر بوردیو بی گمان پرخواننده ترین جامعه شناسی است که درباره مصرف و سبک زندگی سخن گفته است. بسیاری کتاب تمایز وی را انجیل محققان این عرصه می دانند. کمتر متنی را در این عرصه می توان یافت که آرای وی را مرور نکرده باشد.

بخشی از این اقبال به اندیشه بوردیو، ناشی از این است که وی شاید تنها کسی باشد که بنیان های نظری محکمی برای تحلیل پدیده مصرف پدید آورده است (فاضلی، ۱۳۸۲: ۳۴).

بوردیو شبکه ای از مفاهیم اصلی را به کار می گیرد که تنها با تشریح همه آنها می توان طرحی از نظریه وی را مجسم کرد. در بررسی جامعه شناسی مصرف بوردیو و تحلیل مفهوم سبک زندگی هفت مفهوم میدان، سرمایه، منش، عمل، نماد، طبقه و قریحه باید بررسی شود (رستمی و اردشیر زاده، ۱۳۹۲: ۱۶).

در نظر بوردیو، جامعه به عنوان فضای اجتماعی بازنمایی می شود. این فضای اجتماعی جایگاه رقابتی شدید و بی پایان است و در جریان این رقابت ها تفاوت هایی ظهور می کند که ماده و چارچوب لازم برای هستی اجتماعی را فراهم می آورند. این فضا موجودیتی غیر یکپارچه است که

در آن مدل های کوچک متمایزی از قواعد، مقررات و اشکال قدرت وجود دارد. این مدل های کوچک متمایز میدان خوانده می شوند (همان منبع). میدان نوعی قلمرو زندگی اجتماعی است که دارای قواعد خاص خود است. مجموعه ای از موقعیت هایی را فراهم می کند و حامی کنش های مرتبط با آن موقعیت هاست (جلایی پور و محمدی، ۱۳۸۷: ۳۲۰).

بورديو فضای اجتماعی را به چند محور تقسیم می کند: سرمایه اقتصادی، سرمایه اجتماعی و سرمایه فرهنگی. به اعتقاد او، سرمایه ها قابل تبدیل به یکدیگر هستند. سرمایه اقتصادی می تواند سریعاً به سرمایه اجتماعی و فرهنگی تبدیل شود. سرمایه اجتماعی نیز می تواند به سرمایه اقتصادی مبدل گردد، اما قدرت تبدیل آن به سرمایه فرهنگی کمتر از قدرت تبدیل شدن سرمایه فرهنگی به سرمایه اجتماعی است. از نظر او آنچه به میدان معنا می دهد. سرمایه است. حجم و ترکیب انواع سرمایه ها نزد فرد، جایگاه وی را در سلسله مراتب میدان تعیین می کند. به عبارتی دیگر، هر میدان از طریق نوع و میزان سرمایه موجود در آن شناسایی می شود. مفهوم ساختار نیز با توجه به دو مفهوم میدان و سرمایه تعریف می شود. ساختار عبارت است از مجموعه پایگاه هایی که با توجه به حجم و ترکیب سرمایه موجود در آنها قابل مقایسه با یکدیگرند (فاضلی، ۱۳۸۲: ۳۸).

در میان انواع سرمایه، سرمایه فرهنگی نقش بسیار مهمی در اندیشه بورديو ایفا می کند. جامعه شناسی مصرف و تحلیل وی درباره سبک زندگی بر همین نوع سرمایه فرهنگی متکی است. سرمایه فرهنگی شامل سلیقه های خوب، شیوه و راه و رسم پسندیده، پیچیدگی شناختی و شناختن و توانایی پذیرش محصولات فرهنگی مشروع از قبیل هنر، موسیقی کلاسیک، تئاتر و ادبیات و تسلط یافتن بر همه نوع از نظام های نمادین است (همان منبع: ۳۷-۳۸). بورديو وجود اشکال مختلف سرمایه را مهیاکننده ساختاری بنیادین برای سازماندهی میدان ها می داند (جلایی پور و محمدی، ۱۳۸۷: ۳۲۰).

منش یا میدان، مناقشه برانگیزترین مفهوم بورديو است و هسته اصلی تبیین بورديو برای کنش های انسان را شکل می دهد. به اعتقاد بورديو، منش، نظامی از تمایلات بادوام و قابل انتقال است که به عنوان مولد اعمال، ساخت یافته و به شکل عینی مجسم شده، عمل می کند. در نظر بورديو منش، مولد و انسجام بخش اعمال و صورت درونی شده شرایط طبقاتی است. منش به صورت اصولی درمی آید که مردم را قادر می سازد بر کنش های خود کنترل داشته باشند. به اعتقاد بورديو، تمامی میدانها از کنشگران در خود می خواهند که به قوانین عمل در میدان تسلط عملی داشته باشند. میدانها از کنشگران می خواهند که قوانین را به صورت استعداد گنجیدن در شبکه روابط، تسلط عملی بر قوانین نانوشته، طرز عمل میدان و مقولات درکی و داوری که زمینه ساز فهم مسائل مهم هستند، از خود بروز دهند. منش، نقشه شناختی دنیای اجتماعی و مسیرهای از پیش تعیین شده ای است که عمل مناسب هر وضعیتی را نشان می دهد (فاضلی، ۱۳۸۲: ۳۹ - ۴۰).

مفهومی که مستقیماً بر مبنای نظر بورديو درباره منش ارائه می شود عمل است. این مفهوم نخست دال بر هر نوع کنش انسان دارد. عمل نوع عادت شده رفتار است که چندین جزء دارد: شکل فعالیت های بدنی، شکل فعالیت های ذهنی، چیزها و کاربردها، دانش پیش زمینه ای در قالب های شناختی، راهکار و حالت عاطفی و گاهی انگیزشی. هر عملی مبتنی بر عناصری است که روی هم جعبه ابزاری را می سازند. عمل، نوع عادت شده رفتار می باشد که از اجزای مختلفی تشکیل شده است. عمل منش فعالیت یافته است. تأکید بر مفهوم عمل، زاینده گرایش بورديو به تبیین رفتار بر اساس اصل عقل ورزی عملی است.

مبتنی بر این اصل، مردم می دانند که چه می کنند، اگرچه غالباً نمی توانند آن را توضیح دهند (همان منبع : ۴۱). نماد یکی از نموده‌های گسست بوردیو از مارکسیسم است. وی به عوض تعریف نماد، از «امر نمادین» سخن می گوید. امر نمادین چیزی مادی است اما او چنین خصیصه ای برای آن قائل نمی شود، بلکه تفسیر آن منشأ کارکردهایش است. در نظر بوردیو، امر نمادین قادر است مادی بودن خود را پنهان کند. نظام های نمادین ربط وثیق با دانش و قدرت بازتولید نظم اجتماعی دارند. نقش اصلی نظام های نمادین در ساختار سلطه، تعریف امر درست و مشروع است. چنین برداشتی از مفهوم نماد بر تمامی آرای بوردیو در کتاب تمایز سایه انداخته است (همان منبع).

بوردیو، طبقه را مجموعه ای از کنشگران تعریف کرده است که پایگاه یکسانی را اشغال می کنند، در شرایط یکسانی قرار دارند و محتمل است که تمایلات و علائق یکسانی نیز داشته باشند و به همین دلیل احتمالاً اعمال مشابهی را انجام می دهند و مواضع مشابهی را اتخاذ می کنند. اصل وحدت بخش طبقه، منش مشترک آنهاست. منش طبقاتی، اتصالات افقی و تمایزات عمودی در فضای اجتماعی ایجاد می کنند. هر طبقه اجتماعی، بر اساس ترکیبی از سه نوع سرمایه اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی تعریف می شود. در واقع بوردیو، مفهوم طبقه را بر مبنای چیزی فراتر از رابطه با تولید در فضای اقتصادی تعریف می کند. او طبقه را همچنین بر مبنای رابطه اش با جایگاه ها و عادات مشترکی که در فضای مصرف فعلیت یافته اند تعریف می کند و مصرف کردن را وجهی از منازعه بر سر کسب سرمایه می داند که در شکل دادن به طبقه نقش دارد (همان منبع: ۴۲).

آخرین مفهوم، قریحه است. بوردیو قریحه را ظرفیت یا توانایی می داند که از طریق آن می توان گروهی از اشیا یا اعمال را به صورت مادی و نمادین و به معنای مجموعه ای ترجیحات متمایز کرد. در نظر بوردیو، شیوه های مختلف تملک سرمایه در درون هر طبقه، موجد ذوق و قریحه متفاوتی است. اگرچه ظاهراً قریحه ها به صورت مستقل و در فضای اجتماعی سنجش می شوند، اما محصول منش هایی هستند که ماهیت طبقاتی دارد (همان منبع: ۴۳).

ناصر فکوهی تمایز را به عنوان یکی از مهمترین مفاهیم کلیدی بوردیو، اینگونه شرح می دهد: «مفهوم تمایز به معنی مجموعه تفاوت‌هایی است که رفتارها و سبک های زندگی افراد جامعه به دلیل موقعیت متفاوتشان از لحاظ سرمایه و قرار گرفتن در میدان های اجتماعی گوناگون میان آنها ظاهر می شود». به باور بوردیو، همه آنچه سلیقه فرهنگی، انتخاب های هنری و غیره نامیده می شود و ممکن است کاملاً طبیعی و ناشی از قریحه های ذاتی افراد شمرده شود، رابطه مستقیم و قابل اثباتی با وضعیت و موقعیت اجتماعی آنها دارد. این موضوع را وی در کتاب معروف خود تمایز که حاصل یک تحقیق میدانی گسترده است، نشان می دهد. وی ثابت می کند که چگونه می توان میان حوزه هایی چون ورزش، غذا، لباس، سلاویق هنری، موسیقی، عکاسی و ادبیات از یک سو و وضعیت اجتماعی افراد از سوی دیگر، روابط منطقی ایجاد کرد. بوردیو به این ترتیب نشان می دهد که در جامعه ای چون فرانسه، در میدان قدرت، با عملکردها و سبک های زندگی ای سروکار داریم که سرگرمی های مورد علاقه آنها اسکی روی آب، تنیس، اسب سواری، شطرنج، گلف، نواختن و شنیدن پیانو است، در حالی که در قطب مقابل (سرمایه کل منفی)، با فوتبال، ماهیگیری و نواختن و شنیدن آکاردئون سروکار داریم. او نشان می دهد که چگونه از نوع خودروهای انتخاب شده تا دکوراسیون منزل، از موضوعهایی که برای عکاسی انتخاب می شود تا آنچه افراد می خورند و می نوشند، الزامات اجتماعی افراد را جهت می دهند (فکوهی به نقل از لطفی، ۱۳۹۰: ۲۸).

به اعتقاد بوردیو، مفهوم منش قادر است ویژگی مصرف در نزد هر طبقه را تبیین کند. او معتقد است قریحه های برآمده از طبقات دارای سرمایه فرهنگی اندک، بر کارکرد آنچه مصرف می شود تأکید می کند، اما قریحه ناب، بر شکل و فرم تکیه می کند. قریحه طبقات پایین تر بر مقدار مصرف

تأکید دارد و قریحه ناب بر کیفیت آنچه مصرف می شود و فقط در قریحه ناب است که شیوه و راه و رسم مصرف اهمیت دارد (فاضلی، ۱۳۸۲: ۴۴).

بورديو سبک زندگی را فعالیت های نظام مندی می داند که از ذوق و سلیقه فرد ناشی می شوند و بیشتر جنبه عینی و خارجی دارند. از نظر بورديو، سبک زندگی در عین حال به صورت نمادین به فرد هویت می بخشد و میان اقشار مختلف اجتماعی تمایز ایجاد می کند. به عبارتی ارزش های این فعالیتها از موقعیت های آن در نظام تضادها و ارتبا طها اخذ می شود. بورديو در جای دیگر سبک زندگی را دارایی هایی می داند که به وسیله آن، اشغال کنندگان موقعیت های مختلف، خود را با قصد تمایز یا بدون قصد آن از دیگران متمایز می کنند (مهدوی کنی، ۱۳۸۶: ۲۰۷).

۶- گیدنز

گیدنز معتقد است که سبک زندگی را می توان به مجموعه ای کم و بیش جامع از عملکردها تعبیر کرد که فرد آنها را به کار می گیرد؛ چون نه فقط نیازهای جاری او را بر می آورند، بلکه روایت خاصی را هم که وی برای هویت شخصی خود برگزیده است، در برابر دیگران متجسم می سازند (گیدنز، ۱۳۸۵: ۱۱۹). سبک زندگی روش الگومند مصرف، درک و ارزش گذاری محصولات فرهنگ مادی است که استقرار معیارهای هویتی را در چارچوب زمان و مکان ممکن می سازد (گیدنز، ۱۳۷۷: ۳۱).

امروزه هر چه نفوذ سنت کمتر می شود و زندگی روزمره بیشتر بر حسب تاثیرات متقابل عوامل محلی و جهانی بازسازی می شود، افراد بیشتر ناچار می شوند تا سبک زندگی خود را از میان گزینه های مختلف انتخاب کنند. سبک های زندگی به صورت عملکردهای روزمره درمی آیند که در نوع پوشش، خوراک، طرز کار و محیط های مطلوب برای ملاقات با دیگران تجسم می یابند، ولی این امور در پرتو ماهیت متحرک شخصی، به طرزی بازتابی در برابر تغییرات احتمالی باز و پذیرا هستند (همان منبع: ۱۲۰). در نزد گیدنز، تحول سبک های زندگی و دگرگونی های ساختاری مدرنیته به واسطه بازتابندگی به یکدیگر گره می خورند و به دلیل گشودگی زندگی اجتماعی امروزی و کثرت زمینه های کنش و منابع، انتخاب سبک زندگی برای ساختن هویت شخصی به طور فزاینده ای اهمیت می یابد (همان منبع: ۸۸).

گیدنز (۱۳۸۳) انسان را به عنوان عامل شکل گیری هویتش موثر می داند و معتقد است که انسان تحت فشار ساختار اجتماعی سبک زندگی را بیشتر تقلید می کند. به نظر او در دنیای متجدد کنونی، همه ما نه فقط از سبک های زندگی پیروی می کنیم، بلکه به تعبیر دیگر ناچار به این پیروی هستیم. در حقیقت ما انتخاب دیگری به جز گزینش نداریم. به نظر وی هر چه وضع و حال جامعه و محیطی که فرد در آن به سر می برد بیشتر به دنیای مابعد سنتی تعلق داشته باشد، سبک زندگی او نیز بیشتر با هسته واقعی هویت شخصی اش و ساخت و همچنین با تجدید ساخت آن سر و کار خواهد داشت. البته منظور گیدنز از کثرت انتخاب این است که در همه انتخاب ها بر روی همه افراد باز است (مجدی و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۳۴).

یکی از مباحث مهم در نظریه های افرادی همچون گیدنز تاثیر فرایندهای مدرنیته و مدرنیته متاخر در جوامع امروزی است. این فرایندها در سطوح مختلف زندگی اجتماعی افراد، تاثیرات قاطعی می گذارد. به نظر گیدنز از موارد مهم این تاثیرات تغییر در هویت اجتماعی و شخصیتی مردم در دوران مابعد سنت است. وی از مفاهیمی همچون باز اندیشی، تغییر در ذائقه و سبک های زندگی در این خصوص استفاده می کند. مردم برای هویت یابی و باز تولید هویت خود در دوران مابعد سنت این امکان را دارند که از منابع مختلف استفاده کنند، امکانی که در دوران سنت برای بیشتر مردم وجود نداشته است (خواجه نوری و همکاران، ۱۳۹۰: ۸۸).

دیدگاه گیدنز در باب سبک زندگی در کتاب تجدد و تشخیص مطرح شده است. گیدنز مفهوم سبک زندگی را یکی از جالب توجه ترین نمونه های پروژه تاملی خود می داند و آن را در درون زمینه وسیعتر مدرنیته و فردی شدن طرح می کند. در نظر او سنت ها و رسوم گذشته، زندگی را در محدوده کانال های از پیش تعیین شده به جریان می اندازد، تجدد اما فرد را رو در روی تنوع غامضی از انتخاب های ممکن قرار می دهد و یکی از پیامدهای این شرایط، اهمیت یافتن سبک زندگی است (گیدنز، ۱۱۹: ۱۳۸۳).

او سبک زندگی را روایتگر هویت افراد در دوره مدرنیته متاخر می داند که این امر ناشی از افول ارزش ها و سنت های هویت ساز و همچنین اهمیت یافتن خود در زندگی روزمره است؛ در واقع، آنچه که آنتونی گیدنز امنیت هستی شناختی - احساس تعلق خاطر که در هسته مرکزی هر هویت پایداری وجود دارد - می نامد بیش از پیش توسط کارشناسان و متخصصان سبک زندگی که در بیرون از بازار قرار دارند پدید آمده است (ویلکا، ۲۰۰۲: ۳۴۵).

گسترش سبک زندگی فردی به جای شیوه زندگی بر مبنای طبقه را می توان با قدرت پیدا کردن خویشتن فرد مدرن هم توضیح داد. به بیان گیدنز، باز اندیشی یکی از مولفه های دنیای مدرن است؛ بدین معنا که دنیای مدرن یافته های حاصل از نظام های انتزاعی را مرتبا در سازماندهی مجدد خود به کار می برد. باز اندیشی عصر مدرن پویایی و تحرک بی سابقه ای به آن داده به نحوی که در هیچ یک از فرهنگ های ماقبل مدرن وجود نداشته است. یکی از پیامدهای باز اندیشی در خویشتن، پیدایش سبک زندگی است. در فرهنگ های پیشامدرن هم شاهد وجود انتخاب هایی برای افراد هستیم، اما گزینه های گوناگون به هم شباهت دارند و تعداد آنها چنان محدود است که سبب می شود تنها سبک مشخصی برای زندگی در هر فرهنگی تعریف شده باشد و همه افراد متعلق به فرهنگ های یکسان به سبک تقریباً مشابهی زندگی کنند.

در اینجا نکته مهم، تطابق همه افراد با ارزش های همسان منبعث از فرهنگ واحد است نه امکان انتخاب هایی که گاهی پیدا می شوند (گیدنز، ۱۳۸۵)؛ اما دنیای مدرن سبک های بسیار متنوع و متفاوتی را پیش روی هر فرد می گذارد و او ناگزیر می شود تا از میان آنها برای هر عمل خود به گزینش بپردازد. حتی اگر کسی بخواهد مطابق با فرهنگ سنتی زندگی کند، ناخواسته دست به گزینشی خاص می زند؛ بنابراین، در عصر مدرن، هر فرد به ناچار دارای نوعی سبک زندگی است که ویژه خود او به شمار می رود. بدیهی است این گزینش ها تاثیر عمیقی بر هویت فرد خواهد داشت و هویت او را ویژه و منحصر به فرد خواهد کرد؛ بنابراین، سبک زندگی هر فرد سهم بسزایی در ساختن روایت زندگی او خواهد داشت، اما نکته مورد نظر این است که هر فرد برای انتخاب سبک زندگی خود کاملاً آزاد نیست و اسیر قید و بندهایی خواهد بود. همیشه انتخاب سبک زندگی صرفاً توسط فرد صورت نمی گیرد، بلکه گاهی این گروه های اجتماعی، یا فشارهای اقتصادی اند که فرد را ناچار به گزینش می کنند.

در انتخاب سبک زندگی هر فرد، دو عامل نقش در خور دارند: شانس ها و فرصت ها. این دو عامل هم خود تحت تاثیر عوامل اجتماعی دیگری هستند. حاصل انتخاب سبک زندگی توسط هر فرد - چه به صورت اختیاری و چه به صورت اجباری - آن است که فرد به یکی از اقشار و گروه های اجتماعی - یعنی جمع کسانی که دارای سبک های زندگی مشابه او هستند - تعلق می یابد؛ بنابراین، انتخاب سبک های زندگی مقدمه ای بر گروه بندی های اجتماعی متفاوت است. به باور گیدنز، سبک های زندگی امکانات مختلفی هستند که افراد برای تولید و بازتولید هویت خود از آنها استفاده می کنند. به نظر وی همه موجودات انسانی به طور مداوم بر فعالیت های خویش نظارت دارند. در روابط اجتماعی، انسان ها یک حس امنیت وجودی به دست می آورند که وی ریشه آن را

در مفهوم اعتماد تعمیم یافته می یابد. این اعتماد تشکیل دهنده رابطه ای است که جهت گیری های عاطفی و شناختی به سوی دیگران، دنیای عینی و هویت شخصی از آن نشأت می گیرد (همان منبع: ۶۳).

گیدنز در بحث از سیاست زندگی به سبک زندگی نیز می پردازد: سیاست زندگی، سیاست فرصت های زندگی نیست؛ سیاست زندگی، سبک زندگی است. سیاستی است که با منازعات و کشمکش های در باب یک سوال پیوند دارد: چگونه ما (به نام افراد یا به منزله کلیت جامعه انسانی) باید در دنیای زندگی کنیم که در آن، آنچه به وسیله سنت یا طبیعت تثبیت شده بود اکنون موضوع تصمیم گیری انسان قرار گرفته است (گیدنز، ۱۳۸۸: ۲۳۱).

به باور گیدنز، خود در درون بدن جای دارد و آگاهی نسبت به خویش بیشتر ناشی از تغییراتی است که در بدن احساس می شود. بدن در نگاه وی تنها یک جسم مادی صرف نیست، بلکه وسیله ای عملی برای کنار آمدن با اوضاع و احوال و رویدادهای بیرونی است. برای آنکه بتوانیم به طور برابر با دیگران در تولید روابط اجتماعی شریک شویم، باید بتوانیم نظارت مداومی بر بدن خویش اعمال کنیم (گیدنز، ۱۳۸۵: ۸۶ - ۸۷) که در نتیجه آن، بدن به ابزاری هویت ساز در جریان تعاملات اجتماعی تبدیل می شود (نتلتون، ۱۹۹۸: ۷). تصور بدن، حاصل به کارگیری هر چه بیشتر آن در کنش های اجتماعی است؛ بنابراین کسب موفقیت های اجتماعی، تصور بدنی را تحت الشعاع قرار داده و در نتیجه سبب می شود تا افراد بدانند چگونه با بدن خود برخورد کنند.

به اعتقاد گیدنز برخی از وجوه بدن، در عرصه کنش متقابل با دیگران، موجب تمایز فرد از دیگران می شود. وی این وجوه را نمای ظاهری، کردار و... می نامد. نمای ظاهری بدن مشتمل بر همه ویژگی های قابل رویت از جمله طرز پوشش و آرایش است که به طور معمول به عنوان نشانه هایی برای تفسیر کنش ها به کار گرفته می شوند. کردار مشخص کننده آن است که افراد از نمای ظاهری خود چگونه در فعالیت های روزمره استفاده می کنند (گیدنز، ۱۳۸۵: ۱۴۴). امروز جنبه ظاهری بدن برای ابراز هویت فردی، بیش از وجهه اجتماعی آن تقویت شده است (همان منبع: ۱۴۵).

۷- دیوید چانی

دیوید چانی نیز بر این باور است که سبک زندگی شکل اجتماعی جدیدی بوده که نشانگر اولیه هویت هر فرد است. وی بر این باور است که سبک های زندگی حساسیت هایی هستند که در اهمیت های اخلاقی، معنوی و زیبایی شناختی نفوذ می کنند.

وی معتقد است برای افراد و گروه هایی که توسط راههای سنتی تر زندگی در شرایط جدید دچار فقدان دوام و ثبات می شوند، ساختن سبک های زندگی می تواند به عنوان ابزار مهمی برای مقابله با تغییرات اجتماعی کاربرد داشته باشد. این سبک ها واکنشی رفتاری با پاسخ های کارکردی به مدرنیته هستند. لذا سبک های زندگی منابعی هستند برای ثبات یا مکانیزم هایی برای مقابله که به مردم کمک می کنند روابطشان را در شرایط تغییر اجتماعی مدیریت کنند. سبک های زندگی دارای دو سطح فردی و اجتماعی هستند. از یک سو سبک زندگی، سبکی گروهی و اجتماعی است که نه تنها توسط موقعیت های اجتماعی ثابتی همچون طبقه، جنس، سن و یا فعالیت هایی همچون مشاغل مشخص می شوند، بلکه به وسیله رفتارهای مصرفی مشترک (همچون ذائقه های مشترک)، الگوهای مشترک فعالیت اوقات فراغت (برای مثال علاقه به ورزش)، نگرش های مشترک به موضوعات کلیدی (همچون نگرش های مشابه به مسائل جنسی، محیطی و...) نیز مشخص می شوند (چانی، ۱۹۹۶: ۱۱).

دیوید چانی سبک های زندگی را مشخصه هایی از دنیای مدرن می داند. از نظر او افرادی که در جوامع مدرن زندگی می کنند از مفهوم سبک زندگی جهت توصیف اعمال خود و سایرین استفاده می کنند؛ سبک های زندگی الگوهایی از کنش هستند که افراد را از یکدیگر متمایز می کنند (همان منبع: ۴)؛ بنابراین دیوید چانی به کارکرد هویت بخشی سبک زندگی نیز اشاره می کند.

چانی معتقد است مردم سبک های زندگی را در زندگی روزمره برای مشخص کردن و تبیین پیچیدگی های وسیعتر هویت و پیوستگی به کار می برند (همان منبع: ۱۲). همچنین سبک زندگی اجتماعی است؛ زیرا به واسطه نمادها فهمیده می شود، چنانکه به وسیله مجموعه ای از نگرش ها می توان آن را درک کرد و توسط سبک های لباس پوشیدن، آراستگی و مانند آن رسانده می شود. «عقاید و تعهدات به ارزش های خانواده که به طور قوی حفظ می شوند، احتمالاً توسط سبک های ویژه ای از انتخاب های زیبایی شناسانه نمادگرایی می شوند» (همان منبع: ۹۴). از سوی دیگر سبک های زندگی فردی نیز هستند. سبک های زندگی گوناگون است و موجب کاهش همگونی می شود و انتخاب افراد را افزایش می دهد و متصل به نیاز به لباس طبق سن، جنس، طبقه و... سبک های متمایزی را برای زنان و مردان به وجود می آورد (مچین و لوون، ۲۰۰۵).

۸- آلفرد آدلر

روان شناس آلمانی، آلفرد آدلر، در مورد سبک زندگی تعابیر متعددی دارد که بر محققان علوم اجتماعی پس از خود تاثیر زیادی گذاشته است. او می گوید سبک زندگی، یعنی کلیت بی همتا و فردی زندگی که همه فرآیندهای عمومی زندگی، ذیل آن قرار دارند (آدلر، ۱۹۵۶: ۱۹۱). سبک زندگی، طرح و دریافتی اجمالی است از جهان، فرایند در حال گذار و راه است؛ راه یکتا و فردی زندگی و دستیابی به هدف؛ خلاقیتی است حاصل از کنار آمدن با محیط و محدودیت های آن. سبک زندگی رفتار و منش نیست، بلکه امری است که همه رفتارها و تجربیات انسانی را به طور واحد هدایت می کند و خود به واسطه خوی ها و منش فردی شکل می گیرد (ولمن، ۱۹۸۱).

اولین بار آدلر از بین روان شناسان سبک زندگی را مطرح کرد، سپس توسط پیروان او گسترش یافت. آنان سبک زندگی، شکل گیری آن در دوران کودکی، نگرش های اصلی سبک زندگی، وظایف اصلی زندگی و تعامل آنها با یکدیگر را به تفصیل بحث کرده و آن را در قالب درخت سبک زندگی نشان داده، مفاهیم ارزشی و انسان شناختی و فلسفی را مطرح کرده و تمام زندگی را به صورت یکپارچه به تصویر کشیدند (کاوایانی، ۱۳۹۰: ۲۸).

آدلر و همکارانش سبک زندگی هر فرد را از شکل گیری تا پیامدها و آثارش به یک درخت تشبیه کرده اند:

۱- ریشه های این درخت همان ریشه های سبک زندگی است که شکل گیری آن را بیان می کند.

۲- ساقه این درخت درباره اعتقادات و نگرش های کلی افراد (شامل اعتقادات و عواطف و حتی آمادگی رفتاری و غیره) است.

۳- شاخه ها و سرشاخه های این درخت، وظایف زندگی هستند. در حقیقت سبک زندگی واقعی همان شاخه ها و سر شاخه هاست (کجباف و همکاران، ۱۳۹۰: ۶۳).

در میان جامعه شناسان معاصر، میشل سوبل سبک زندگی را شیوه های متمایز زندگی می نامد. سوبل (۱۹۸۱) دهه ۷۰ میلادی را به عنوان شروعی برای نظریه پردازی سبک زندگی می داند و آن را مجموعه ای از رفتارهای قابل مشاهده و بیان گرانه در میان افراد تعریف می کند (چانی، ۱۹۹۶: ۱). او معتقد است می توان با سنجش رفتار قابل مشاهده، شاخص سازی کرد و میان سبک های زندگی تمایز قائل شد، چرا که از دیدگاه سوبل هر یک از شاخص ها، خود مبین وجهی از زندگی اند.

همچنین از آنجایی که او سبک زندگی را مجموعه رفتارها می داند، سنجش رفتار و یافتن شاخص برای آنها تنها با تبیین الگوهای مصرف ممکن است (محمدی و بی بک آبادی، ۱۳۸۹: ۱۰۲).

سوبل تاکید می کند که الگوی مصرف مشاهده شونده ترین و بهترین شاخص سبک زندگی است. به اعتقاد وی سبک زندگی - فرهنگی یا مادی - پیامدهای گسترده ای برای زندگی فردی و اجتماعی دارد. سبک زندگی ممکن است عامل بهره برداری بهتر از انرژی یا از هم پاشیدن خانواده، تولید الگوهای مهاجرت، میزان جرم و جنایت، بهداشت و توزیع رفتارهای بهداشتی باشد (سوبل، ۱۹۸۱: ۱۶۹).

شاخص های سبک زندگی

یکی از راه هایی که می توان به درک بهتری از مفهوم سبک زندگی از نظر اندیشمندان گوناگون دست یافت، بررسی عناصر و مولفه هایی است که آنان برای سبک زندگی برشمرده و یا در تحقیقات خود از آنان به عنوان شاخص بهره برده اند. عناصری که زیمل، وبلن و وبر در آثار خود از آنها یاد کرده اند، عبارت از شیوه تغذیه، خود آرایی (نوع پوشاک و پیروی از مد)، نوع مسکن (دکوراسیون، معماری و اثاثیه)، نوع وسیله حمل و نقل، شیوه های گذران اوقات فراغت و تفریح و اطفار (رفتارهای حاکی از دست و دل بازی) و مانند آن می باشد.

در دو دهه اخیر دانشمندان علوم اجتماعی شاخص های متعددی را برای سبک زندگی ارائه نموده اند. «کلاکھون» [۲۸] (۱۹۵۸) در مورد شاخصه های مورد مطالعه سبک زندگی در دهه پنجاه به رفتارهای شخصی مصرفی که حاکی از ترجیحات فردی مانند نحوه استفاده از صنایع فرهنگی، تفریحی و ورزشی، نحوه بازی کردن و لباس پوشیدن باشد، اشاره نموده است. «گوردن» [۲۹] (۱۹۶۳)

در مطالعه سبک زندگی، بر عواملی مانند الگوهای مصرف، نوع لباس، نحوه صحبت، نگرش ها والگوهای مربوط به نقاط تمرکز علاقه مندی در فرهنگ مانند امور جنسی عقلانیت، دین، خانواده، میهن پرستی، آموزش، هنرها و ورزش ها تاکید نموده است. «لوید وارنر» [۳۰]، در پژوهش سبک زندگی یانکی سیتی، افزون بر نحوه گذران اوقات فراغت و تفریحات و سلیقه های ورزشی، به تفاوت های دینی و چشم اندازهای اخلاقی، ارزش های سیاسی، الگوهای زندگی خانوادگی، روابط زناشویی و تربیت کودک اشاره نموده است. «ایرین» [۳۱] و دیگران (۱۹۶۹) معتقدند سبک زندگی در شهرنشینی آمریکای اواخر دهه ۱۹۶۰ در مواردی مانند محل زندگی، مشارکت های محلی، نوع منزل و نوع مدرسه محل تحصیل فرزندان تجسم می یافت.

«ون هوتن» [۳۲] عناصر سبک زندگی در خانواده را شامل اثاثیه، اشیاء هنری، انواع لباس پوشیدن ها، مواد خواندنی، آلات موسیقی، سلیقه در غذا و نوشیدنی ها، روش پخت، نوع صحبت کردن در خانه، نوع گذران اوقات فراغت، بودجه بندی، روابط با فرزندان، ضوابط و روش های تربیت کودک، تراکم جمعیت ساکن در خانه و محل و نوع و ویژگی های اشتغال اعضای خانواده بیان نموده است. «ویل» [۳۳] معتقد است سبک زندگی علاوه بر مصرف، ارزش ها، نگرش ها، مسائل جمعیت شناختی، تفاوت های جنسی، موقعیت اقتصادی، شغل، طبقه بندی اجتماعی و مشارکت در فعالیت های اوقات فراغت را در بر می گیرد. «جرالد لسل» [۳۴] و دیگران، به تحقیق قابل توجهی اشاره می کنند که در آن، بیشتر شهرنشینان مورد سوال، شناخت خود از موقعیت اجتماعی دیگران را، با توجه به عوامل سبک زندگی ایشان و در راس آن لباس و سپس طرز حرکات و سبک محاوره به دست می

آوردند. لسانی و دیگران از جمله عوامل سبک زندگی را سلیقه (مانند سلیقه در انتخاب نوشیدنی، تجهیز خانه، مواد خواندنی و گذران اوقات فراغت) و آداب معاشرت و در یک بیان کلی، الگوهای مصرف می دانند.

فرن در بحث مولفه های سبک زندگی بر فعالیت ها (مانند کار، سرگرمی و تفریحات)، علاقه مندی ها (مانند خانواده و رسانه) و عقاید (مانند موضوعات اجتماعی، سیاسی و اقتصادی) تاکید نموده است. همچنین برلسون و استینر، مولفه های سبک زندگی را در مواردی چون اوقات فراغت و ذوقیات و نحوه مصرف مناسب پول پیگیری نموده و مواردی مانند رسیدگی به وضع ظاهری و لباس، آداب معاشرت، سلیقه زیبا شناختی، سرگرمی ها و خوردنی ها را به عنوان شاخص های سبک زندگی مطرح نموده اند.

سوبل تاکید می کند که الگوی مصرف مشاهده شونده ترین و بهترین شاخص سبک زندگی است. «لامونت» [۳۵] و همکاران (۱۹۹۶) ضمن تاکید بر شیوه سازمان دادن زندگی شخصی، الگوی تفریح و مصرف را بهترین شاخص سبک زندگی بیان نموده اند. دیوید چینی، سبک های زندگی را سازمان اجتماعی مصرف دانسته و معتقد است سبک زندگی شیوه الگومند مصرف و درک یا ارج نهادن به محصولات فرهنگ مادی است. گوردون در جمع بندی خود چند عامل مهم را در مطالعه سبک زندگی شامل الگوهای مصرف، نوع لباس، نحوه صحبت، نگرش ها و الگوهای مربوط به نقاط تمرکز علاقه مندی در فرهنگ مانند امور جنسی، عقلانیت، دین، خانواده، میهن پرستی، آموزش، هنرها و ورزش ها برشمرده است. «مارتین سگالن» [۳۶]، جامعه شناس فرانسوی، در جمع بندی خود از تحقیقات در مورد سبک زندگی بر سه محور مسکن (فضای داخلی خانه و تقسیم بندی فضاهای خصوصی و فضاهای عمومی و تفریحی داخلی و خارجی)، معاشرت و شبکه روابط خویشاوندی و اتکاء در امور و حوادث و تاثیر این نوع روابط بر نوع گذران اوقات فراغت و نوع نگاه و رفتار در مورد اشتغال زنان و تقسیم کار در زندگی زناشویی تاکید نموده است. علاوه بر آن، «هندری» [۳۷] معتقد است که از اواسط دهه ۱۹۸۰ به بعد، ابعاد سلامت و بهداشت نیز به منزله یکی از مولفه های سبک زندگی مورد توجه قرار گرفته است (نیازی و کارکنان نصرآبادی، ۱۳۹۲: ۱۸۲-۱۸۵).

به طور کلی می توان مولفه های سبک زندگی را شامل موارد زیر دانست:

۱) الگوهای مصرفی و نمادهای منزلتی: مسکن و املاک، اتومبیل، تلفن همراه، تزئینات و دکوراسیون، پوشش ظاهری. الگوهای رفتاری: طرز گذران اوقات فراغت، تفریحات و ورزش، نوع بیان و لهجه، لحن و گفتار، طرز آرایش و پیرایش ظاهر. نمادهای فرهنگی: نمادهای بومی - محلی، نمادهای ملی، نمادهای فراملی و جهانی، نمادهای سنتی، نمادهای مدرن.

۲) نقش های اجتماعی: نقش های مبتنی بر روابط شغلی و حرفه ای، نقش های شخصی، نقش های اجتماعی، نقش های خانوادگی و خویشاوندی.

۳) ارزش های اجتماعی: جمع گرایی و فردگرایی، آینده نگری و گذشته گرایی، کار و تلاش فردی و جمعی، تقسیم کار، تخصص گرایی، ثروت و دارایی، امنیت و آسایش، معنویت گرایی، دنیاگرایی، قدرت مداری، خوشبختی و سعادت، حرمت و احترام و قانون گرایی (همان منبع: ۱۸۵).

مؤلفه های سبک زندگی اسلامی

به عقیده صاحب نظران، سبک زندگی هر فرد و جامعه متأثر از نوع باورها (جهان بینی) و ارزش های حاکم بر آن فرد و جامعه است. مشخص است که جهان بینی مادی و ارز شهای لذت گرایانه طبیعتاً سبک زندگی خاصی را پدید می آورند. هما نظور که جهان بینی الهی و ارزش های کمال گرایانه و سعادت محورانه سبک خاصی از زندگی را شکل می دهند (شریفی، ۱۳۹۱: ۳۴).

حال از آنجا که در جوامع گوناگون بحث از آیین و روش زندگی دینی مطرح بوده است و ادیان مختلف در طول تاریخ دستورالعمل‌های خاصی برای همه ابعاد زندگی انسان ارائه کرده اند و مدعی بوده اند که جامعه مطلوب و زندگی سالم در نتیجه پیروی از روش زندگی ارائه شده توسط آنان است (رجب نژاد و دیگران، ۱۳۹۲: ۹). پس می‌توان انتظار داشت که سبک زندگی اسلامی نیز از سبک‌های مهم و تأثیرگذار در زندگی افراد و در جوامع گوناگون است؛ خصوصاً در عصر حاضر که کاستی‌های سبک زندگی غیر دینی و مادی بر همگان روشن شده است (افشانی و دیگران، ۱۳۹۳: ۸۴).

سبک زندگی از دیدگاه اسلام، به مجموعه‌ای از موضوعات مورد قبول اسلام در عرصه زندگی اشاره دارد که براساس آن، معیار رفتار ما باید مبتنی بر اسلام و آموزه‌های اسلامی باشد. خدا محوری و حاکمیت ارزش‌های اسلامی در زندگی از مهمترین معیارهای سبک زندگی مورد تأیید اسلام است؛ در واقع، در این سبک زندگی، زندگی فردی و اجتماعی افراد باید مبتنی بر اسلام و رهنمودهای قرآنی باشد. اسلام با احکام جاودانه خود، سبکی آرمانی و در عین حال، واقع‌گرایانه را پیشنهاد نموده است که مبتنی بر نگرشی متعالی به هستی و انسان است و آدمی را موجودی مسئول و مختار می‌داند که سرنوشت او به دست خودش رقم می‌خورد. در این سبک زندگی، غایت آموزه‌های دینی رهایی از سبک زندگی غیر اسلامی و رسیدن به حیات طیبه می‌باشد که ایمان و عمل صالح، ملاک و معیار اساسی سبک زندگی اسلامی و دستیابی به حیات طیبه است.

در این سبک از زندگی، انسان به طور طبیعی مدلی را که بیشترین هماهنگی را برای دستیابی به قرب الهی داراست، در زندگی فردی و اجتماعی خود مطلوب می‌داند و تقرب به خدا و لقاء الله را هدف نهایی خود می‌بیند؛ از این رو، همه شئون زندگی خود را؛ از نماز و عبادت تا کسب و کار، تحصیل، تفریح، معاشرت، بهداشت، خوراک، معماری، هنر، سخن گفتن، تولید، مصرف، آراستگی ظاهری و امثال آن را در مسیر این هدف قرار می‌دهد (همان منبع: ۸۵).

در اسلام، سبک زندگی بر اساس سه محور اعتقادات، اخلاقیات و وظایف عملی (عبادات) استوار است.

الف) اعتقادات: اصول اعتقادی اسلام یعنی ایمان و عقیده به توحید، نبوت و معاد. این سه اصل، شالوده دیانت اسلام را تشکیل می‌دهند.

ب) اخلاقیات: یعنی مسلمان ویژگی‌های درونی و روانی خود را به گونه‌ای بسازد که با کلیت این سیستم مفهومی هماهنگ و منطبق باشد. شاید محکم‌ترین تعبیر قرآن در این زمینه همان تقوا باشد که می‌توان آن را «ترس آمیخته با احترام از خداوند» معنا کرد.

ج) وظایف عملی و عبادات: از آن جایی که پیام اصلی اسلام، توحید است و یکی از مراحل آن، توحید در عبادات است، پس از قبولی قلبی و اقرار زبانی به اصول فوق، باید عمل به ارکان را مکمل موجود بودن شمرد. عبادات یا وظایف عملی، بخش مهمی از مجموعه اعمال و رفتارها را تشکیل می‌دهد که در فرهنگ اسلامی به عنوان فروع دین شناخته شده است و در کنار اصول دین قرار دارد.

بر این اساس، تعالیم اسلام تمام وظایف زندگی را پوشش می‌دهد و سبک زندگی برگرفته شده از آن، سبک زندگی ایده آل و مطابق با فطرت بشریت است. در نهایت می‌توان گفت سبک زندگی اسلامی جامعیت داشته و مولفه‌های مختلفی را در بر می‌گیرد که به قرار زیر است:

۱. مولفه اجتماعی که به وظایفی اشاره دارد که فرد در ارتباط با دیگران، فراتر از خود و خانواده هسته‌ای خود انجام می‌دهد.

۲. مولفه های عبادی که به وظایفی اشاره دارد که رابطه بین فرد و خداوند را به عنوان عبد و مولا نشان می دهد و اعم است از عبادات مشخص، مثل نماز، روزه، تلاوت قرآن، ذکرهای مستحبی، حج و... و رفتارهایی که رسماً نام عبادت ندارند، اما فرد به نیت اطاعت از خداوند آن را انجام می دهد.
۳. مولفه باورها به مفاهیم هستی شناختی، انسان شناختی، خداشناختی و... که اشاره دارد به این که در فرد درونی شده و در لایه های زیرین عاطفی و شناختی او حضور دارند و به صورت خودآگاه یا ناخودآگاه، نقش تعیین کننده ای در رفتارها دارند.
۴. مولفه اخلاق که به صفات و رفتارهای درونی شده ای از فرد گفته می شود که وظیفه رسمی و قانونی او شمرده نمی شود و با ترک یا انجام آن کسی او را مواخذه یا تشویق نمی کند. در این جا به بعد فردی و اجتماعی اخلاق نظر می شود (بعد الهی آن در شاخص باورها ملاحظه شده است).
۵. مولفه مالی که به رفتارهایی از فرد اشاره دارد که مستقیم یا غیرمستقیم، به امور اقتصادی و مادی زندگی مربوط می شود و اموری مثل شغل، املاک، کیفیت دخل و خرج و... را شامل است.
۶. مولفه خانواده که به رفتارها و روابط فرد از این حیث که عضوی از یک خانواده هسته ای است، اشاره دارد؛ یعنی زن، شوهر و فرزندان. (خانواده بزرگ، در شاخص اجتماعی ملاحظه شده است).
۷. مولفه سلامت که به اموری نظر دارد که در سلامت جسمانی و روانی فرد ایفای نقش می کنند و تغذیه، بهداشت، فعالیت بدنی، تفریح، بازی، لذت های زندگی، سیاحت و زیارت، خواب و استراحت، دید و بازدید، ظاهر زشت یا زیبای فرد و... را شامل می شود.
۸. مولفه تفکر و علم که به وظایف شناختی فرد اشاره دارد، اعم از شناخت های موجود در فرد، تلاش برای افزایش شناخت های خود و جایگاهی که فرد برای علم و تفکر قائل است.
۹. مولفه دفاعی - امنیتی که به وظایفی اشاره دارد که به صورت فردی یا اجتماعی با امنیت افراد و جامعه مربوط می شود، مثل حفظ مرزها، انتظامات داخلی شهرها و روستاها، شناسایی و مجازات مجرمان در دعوای خصوصی افراد و...
۱۰. مولفه زمان شناسی که به وظایف فرد در خصوص استفاده بهینه از زمان مربوط می شود (سهرابی رنانی، بی تا).

شاخص های سبک زندگی اسلامی

اسلام یکی از ابزارهای سازنده سبک زندگی اسلامی می باشد. دستورات دینی شکل دهنده و تاثیر گذار بر سبک زندگی افراد است. طبیعی است در سبک زندگی اسلامی بر خلاف سبک زندگی غربی، هر فردی در زندگی خود باید ارتباط موثر با خود و دیگران برقرار کند؛ در سبک زندگی غربی اصالت فرد مطرح است و تمام تلاش نظریه پردازان غربی این است که افراد به خود توجه کرده و به سود و لذت بیشتر از هر راه دست یابند؛ بنابراین سه چیز در سبک زندگی غرب اصل است: اصالت فرد، اصالت سود و اصالت لذت. باید توجه داشت در سبک زندگی اسلامی هم این مسائل مطرح است، اما اصیل و ذاتی نیست.

اسلام توصیه می کند افراد به نیازهای فردی خود پاسخ دهند اما در عین حال به تمام ابعاد توجه کنند: «یا ایها الذین آمنوا علیکم انفسکم؛ ای کسانی که ایمان آورده اید به خود پردازید» (سوره مائده، آیه ۱۰۵)؛ بنابراین اسلام هم به سلامت روح بها می دهد هم جسم اما این اصل نیست و در کنار آن افراد باید به دیگران و مسائل اجتماعی هم توجه کرده و در این راستا برای خود چارچوبی تعیین کنند تا روابط اجتماعی بهبود یابد. کوتاه ترین سوره قرآن یعنی سوره عصر علاوه بر تاکید بر

مسائل فردی مانند ایمان و عمل صالح که نقش تعالی در روح انسان دارد، شرط خروج از خسران و زیان را روابط اجتماعی می‌داند. توصیه به روابط اجتماعی از نظر قرآن دارای جایگاه مهمی است و سبک زندگی اسلامی صرفاً بر فرد بنا نشده است؛ بنابراین شاخص‌های سبک زندگی اسلامی را می‌توان در دو بعد فردی و اجتماعی تقسیم نمود (آذر شب و میر مرادی، ۱۳۹۳: ۵).

الف - شاخص‌های فردی سبک زندگی اسلامی

برخی از شاخص‌های فردی سبک زندگی اسلامی عبارتند از: تقوا گرائی و خدا محوری، تفکر، راستگوئی و صداقت، اهمیت دادن به سلامتی و صبر و خویشتن داری.

۱- تقوی گرائی و خدا محوری

تقوا به معنای عام کلمه لازمه زندگی هر فردی است که می‌خواهد انسان باشد و تحت فرمان عقل زندگی کند و از شاخص‌های معینی پیروی نماید. تقوای الهی یعنی این که انسان خود را از آنچه از نظر دین و اصولی که دین در زندگی معین کرده، خطا و گناه و پلیدی و زشتی شناخته شده، حفظ و صیانت کند و مرتکب آنها نشود. تقوا در درجه اول و به طور مستقیم از ناحیه اخلاقی و معنوی به انسان آزادی می‌دهد و او را از قید رقیت و بندگی هوا و هوس آزاد می‌کند، رشته حرص و طمع و حسد و شهوت و خشم را از گردنش بر می‌دارد، ولی به طور غیر مستقیم در زندگی اجتماعی هم آزادی بخش انسان است. رقیت‌ها و بندگی‌های اجتماعی نتیجه رقیت معنوی است. آن کس که بنده و مطیع پول و یا مقام است نمی‌تواند از جنبه اجتماعی، آزاد زندگی کند (همان منبع).

با توجه به این که منشا بیشتر گرفتاری‌های هر کسی خود اوست و هر کسی خودش بالاترین دشمنان خودش است و هر کسی خودش سرنوشت خود را تعیین می‌کند، غالب رفتارهای هر کسی با خودش خصمانه است. اغلب گرفتاری‌هایی که برای ما پیش می‌آید از خارج نیامده، خودمان برای خودمان درست کرده‌ایم. با توجه به اینها خوب واضح می‌شود که سلاح تقوا چه اندازه موثر است در این که انسان را از فتنه‌ها دور نگه می‌دارد، به فرض این که در فتنه واقع شد تقوا او را نجات می‌دهد (همان منبع: ۶).

بر اساس سبک زندگی دینی، اگر دنیا ارزشی دارد، از آن حیث است که می‌تواند ابزاری باشد برای نیل به سعادت اخروی و زندگی واقعی، وگرنه به سبب روال‌پذیری و توأم بودن آن با سختی‌ها و... ارزش واقعی ندارد و جز بازیچه‌ای موقتی برای کسانی که از خدا غافل شده‌اند نیست (همان منبع).

۲- تفکر

یکی از شاخصه‌های مهم سبک زندگی فردی معرفت و تفکر است، زیرا بعد از تفکر و معرفت حرکت صورت می‌گیرد. ما برای این تفکر و اندیشه نیاز به دانش داریم و در اسلام اهمیت فراوانی برای دانش قائل شده‌اند، این خود یکی از شاخص‌های سبک زندگی است که چه چیزی را و از چه چیزی فرا بگیریم. انسان برای فهم سبک زندگی باید ابتدا خود را بشناسد، باید ویژگی‌ها و ظرفیت خود مانند فطرت انسانی‌اش را بشناسد و به دنبال رفع نیازهای فطری‌اش باشد. همچنین مهمترین موضوعی که انسان در تعامل با خود در نظر گرفته، توجه به خود و تفکر و تدبیر در وجود انسان است.

امام علی (ع) فرمودند: هیچ خیری نیست در عبادتی که تفکر در آن نباشد؛ اولین قدمی که بر می‌داریم دست یابی به معرفت و شناخت نسبت به خود است و به طور قطع کسی که خودش را شناخته خدا را می‌شناسد. در نگاه امام حسین (ع)، فرد مومن برای رسیدن به خداوند، از ابزارهای گوناگون کمک می‌گیرد. او برای تقرب به خدا، از شناخت خود شروع می‌کند و برای شناخت خود، ملاک دارد نه احساس. معیارهای فرد با ایمان، قوانین محکم و روشنی است که از پروردگارش به او

رسیده است. فرد با ایمان، خود را تنها نمی بیند و دست خالی هم نیست. این سخن امام حسین (ع) گویای جان کلام است: «به راستی مومن، خدا را نگهدار خود از گزندها و گناهان و گفتار او - قرآن - را آینه خود گرفته است؛ گاهی - در این آینه - به اوصاف مومنان می نگرد و گاهی به اوصاف گردن کشان می نگرد و در آن، نکته ها می بیند و خود را شناسائی می کند و به هوشیاری خود یقین می کند و به پاکی خود اطمینان می یابد» (همان منبع).

۳- راستگوئی و صداقت

صداقت یا راستگوئی یکی از بهترین ویژگی هایی است که هر انسان سالمی می تواند از آن برخوردار باشد. صداقت ابزار قدرتمندی است برای ساختن اعتبار و اطمینان. اولین خصوصیات رفتاری هر معتمدی، صداقت و صراحت اوست که نیمی از مشکلات ما را به راحتی از بین می برد و دست ما را برای بیان خواسته ها و برنامه هایمان بازتر می کند. صداقت مانند یک نیروی نامرئی، مانع از ادامه اشتباهات و خطاهای ما می شود. چرا که با بیان حقیقت دیگر راهی برای ادامه خطا و اشتباه وجود ندارد و ناخودآگاه راه بیراهه ما به بن بست خواهد رسید. راستگوئی روح و روان را جلا می دهد، قدرت بیان را افزایش می دهد و سخن را شیواتر می سازد. افراد راستگو از قدرت و جرات مناسبی در حقایق برخوردارند و راحت تر می توانند به اعمال و رفتار اشتباه دیگران اعتراض کنند. با صداقت پایه زندگی سالم بنا می شود و استحکام آن دو چندان می گردد، رنجش دیگران از ما کمتر می شود و اطرافیان دچار دردسر می شویم (همان منبع: ۶ - ۷).

قرآن در آیات ۷۰ و ۷۱ سوره احزاب به تاثیر و کارکرد راستگوئی مومنان در گفتارشان اشاره کرده و آن را سبب اصلاح اعمال آنان می داند. از این رو فرمان می دهد برای این که اعمال آنها به اصلاح گراید، همواره گفتار خالی از هر گونه شائبه دروغ و لغو بگویند و سخنی را بر زبان آورند که ظاهر آن با باطن آن موافق باشد. در آیات ۲۰ و ۲۱ همان سوره صداقت و راستگویی موجب تسلیم شدن شخص در برابر دستورهای خداوند و آموزه های وحیانی تسلیم اند و هرگز بر خلاف آن عمل نمی کنند و رفتارشان همواره در چارچوب آموزه های دینی است و گامی بر خلاف آن بر نمی دارند.

اصولا رستگاری جز با راستگوئی امکان پذیر نیست و کسی که دروغ می گوید و ظاهر کلامش با باطن آن موافقت ندارد و بر خلاف واقع سخنی را بر زبان می راند، نمی تواند امید به رستگاری داشته باشد. خداوند در آیه ۱۱۹ سوره مائده می فرماید: «روز قیامت تنها کسانی رستگار می شوند و از آتش دوزخ رهائی می یابند که راستگو باشند. امروز روزی است که تنها صدق و راستی راستگویان است که به فریاد ایشان می رسد و سربلند و پیروز از آزمون دنیا بیرون می آیند». در حقیقت کسانی که راستگوئی را منش و روش خویش قرار داده اند و در هر حال و مقامی راستگویی می کنند و سخنی به دروغ بر زبان نمی رانند در قیامت از راستگوئی خویش بهره مند می شوند (همان منبع: ۷).

۴- اهمیت دادن به سلامتی

مواظبت بر طعام یکی از عوامل سلامتی بدن است. سبک زندگی اسلام منظومه ای گسترده است که در تمام زوایای زندگی انسان الگو معرفی می کند. در غذا می گوید اگر کسی غذایش کم باشد بدنش سالم تر می ماند و قلبش هم با صفا می شود (همان منبع). رسول خدا فرمود: «نعمتان مجهولتان» یعنی دو نعمت هستند که شناخته شده نیستند و آن دو امنیت و عافیت هستند. اینجا نیز توصیه اسلام به سلامتی را می بینیم، پس یکی از شاخصه ها و قطعه های سبک زندگی فردی این است که ما سبک سالم نگاه داشتن بدن خود را یاد بگیریم زیرا با این بدن می توان نماز شب خواند، جهاد کرد، کمک به همسایگان کرد و روزی خانواده خود را تامین کرد.

اسلام برای سبک زندگی برنامه دارد، اسلام به همه جنبه‌ها توجه کرده و جاهایی که به طور مستقیم اشاره نکرده جملاتی آورده که از آن می‌توان خواست اسلام را دریافت (همان منبع).

۵- صبر و خویشتن داری

فراز و فرودهای شرایط زندگی، نیاز به روحیه‌ای دارد که بتواند آن را مهار و در همه آنها ایستادگی کند. چنانچه انسان در برخورد با مشکلات گوناگون، از ابزارها و مهارت‌های کافی برخوردار نباشد، به بن بست روانی خواهد رسید. در آموزه‌های دینی تلاش شده تا این پیش‌نیازها به پیروان معرفی و به عنوان یک مهم‌بدان نگریسته شود. بردباری و خویشتن داری، از مهارت‌هایی است که بدون آن، تحمل شکست‌ها و ناکامی‌ها ناممکن می‌نماید. امام حسین (ع) زیبایی این ویژگی را چنین بیان می‌کند: «بردباری زیور است». به همان اندازه که میل به گردآوری زینت‌های مادی در وجود انسان نهاده شده، گرایش فطری به گردآوری بسته‌ای از خوبی‌ها نیز وجود دارد، فقط کافی است یک انسان کامل و راهنما، چنین قضایایی را طرح تا فضای فکری و عاطفی افراد به آن سوق یابد (همان منبع: ۷ - ۸).

ب - شاخص‌های اجتماعی سبک زندگی اسلامی

۱- تلاش و کوشش

پس از تفکر و کسب دانش نیاز به تلاش برای زنده ماندن و کسب درآمد داریم، اسلام نیز در سبک کار و تلاش و تامین معاش توصیه‌هایی کرده است. اسلام اهمیت بسیاری به تلاش و کار داده است و انسان را از کسلی و تنبلی بر حذر داشته است؛ در روایتی داریم «کسالت به دین و دنیای انسان ضرر می‌رساند». البته امیر مومنان امام علی (ع) خوشخویی را در سه چیز می‌داند، از جمله این سه چیز فراهم‌آوری آسایش و رفاه برای خانواده است. پس خوشخویی تنها به چهره‌گشاده نیست بلکه در رفتاری است که بخشی از آن واجبات یا مستحبات است. کسی که به وظیفه خود عمل کند خوشخو است و اگر بتواند فراتر از وظیفه واجب، به مستحب نیز اقدام کند در خوشخویی برتر است. از این رو امام علی (ع) می‌فرماید: «خوش اخلاقی در سه چیز است: دوری کردن از حرام، طلب حلال و فراهم آوردن آسایش و رفاه برای خانواده». در سبک زندگی اسلامی انسان باید برای فقیر نبودن تلاش کند، انسان باید برای رهایی از فقر سعی خود را به کار بندد و هم‌زاهدانه زندگی کند و به دنیا دل نبندد (همان منبع: ۸).

۲- اعتدال و میانه روی

اعتدال و میانه روی، همان گونه که از نامش پیداست، به معنای پیمودن و گزینش راه میانه و وسط و عدم تمایل به دو طرف افراط و تفریط می‌باشد. این واژه در منابع اسلامی، با الفاظی مانند قصد، اقتصاد، وسط استعمال شده است. با پژوهشی ژرف و عمیق می‌توان دریافت، همان گونه که اصل توحید در تار و پود احکام و مقررات اسلام و آیات و روایات و سیره ائمه (علیهم السلام) پیچیده شده، اصل اعتدال نیز در تشریح احکام لحاظ گردیده است. قرآن کریم، امت اسلام را امت میانه و وسط می‌نامد و می‌فرماید: «و کذلک جعلناکم امة وسطا لتکونوا شهداء علی الناس و یکون الرسول علیکم شهیدا؛ و این چنین شما را امتی میانه (معتدل) ساختیم تا بر مردمان گواه باشید و پیامبر (صلی الله علیه و آله) هم بر شما گواه باشد» (سوره بقره: آیه ۱۴۳). معنای آیه بالا این است که در آیین اسلام، هیچ گونه افراط و تفریط وجود ندارد و مسلمانان برخلاف سایر فرقه‌ها، از مقرراتی پیروی می‌کنند که قانونگذار آن، به تمام نیازهای فطری بشر آگاه بوده و همه جهات زندگی جسمی و روحی او را در نظر گرفته است.

اصل اعتدال که در قرآن کریم به آن عنایت فراوانی شده است، در زندگی پر برکت پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) و ائمه هدی (علیهم السلام) و در کلیه اعمال و رفتارشان به روشنی دیده می شود. آنان هرگز در هیچ امری از اعتدال و میانه روی خارج نشدند. سیره رسول خدا (صلی الله علیه و آله) در همه وجوه، سیره ای معتدل بود. همان طوری که حضرت علی (علیه السلام) در مورد آن حضرت فرموده است: «سیره القصد؛ رسول خدا، سیره و رفتارشان میانه و معتدل بود» (پور کریمی، ۱۳۸۳: ۶).

رسول خدا (صلی الله علیه و آله) در رفتار فردی، در خانواده و اجتماع، در اداره امور و سیاست، در رویارویی با دشمنان و حتی در میدان نبرد، اعتدال را پاس می داشت و از افراط و تفریط در هر کاری پرهیز می کرد و تاکید فراوان داشت که امتش از او پیروی کنند و در زندگی میانه روی پیشه سازند. از این رو، می فرمود: «یا ایها الناس علیکم بالقصد، علیکم بالقصد، علیکم بالقصد: ای مردم! بر شما باد به میانه روی، بر شما باد به میانه روی، بر شما باد به میانه روی». متأسفانه، بیشتر افراد و بسیاری از جوامع، در حیات خود فاقد این اصل بوده و هستند. از این رو، یا به دامن افراط افتاده و یا در تفریط غلتیده اند و از مسیر صحیح و طریق کمال و هدایت خارج شده اند. ریشه بسیاری از انحرافات فردی و اجتماعی را می توان در عدم رعایت اصل اعتدال جست. اصولاً شان عقل، اعتدال است و شان جهل، عدم اعتدال، یعنی انسان عاقل انسانی متعادل است و انسان جاهل غیر متعادل. حضرت علی (علیه السلام) درباره انسان جاهل همین شان را بیان می فرماید: «لاتری الجاهل الا مفرطاً او مفرطاً»: «جاهل را نمی بینی، مگر این که یا افراط می کند و یا تفریط» (همان منبع).

اصل اعتدال باید به شکل کلی و فراگیر در سبک زندگی فردی و اجتماعی حاکم باشد و همیشه و همه جا افکار، کردار و گفتار او را در برگیرد (آذرشب و میرمرادی، ۱۳۹۳: ۸). در اینجا سه محور یاد شده توضیح داده می شود.

۱-۲- افکار

منشا همه تصمیمات آدمی، فکر و اندیشه اوست؛ اگر فکر معتدل و مستقیم باشد، رفتار فرد راه اعتدال می پوید و اگر اندیشه به بیماری عدم اعتدال گرفتار شود، اعمال انسان نیز به آفت افراط و تفریط دچار می شود. امیر مومنان (علیه السلام) نقش کلی و حیاتی اندیشه را چنین بیان می کند: «هر کس پیش از اقدام اندیشه کند، درستی عملش افزون می گردد» (همان منبع).

۲-۲- کردار

رفتار عادلانه، نتیجه اندیشه معتدل است و مومنان با تصحیح افکار و عقاید خویش، به تعدیل کردار خود می پردازند و در هیچ کاری به افراط و تفریط نمی گرایند. آیات و روایات و احکام و مقررات اسلامی نیز به طور گسترده و پیگیر در صدد تنظیم همه امور فردی و اجتماعی مسلمانان بر محور حق و اعتدال و پیشگیری از نامیزانی و افراط و تفریط هستند (همان منبع: ۸ - ۹).

۳-۲- گفتار

زبان یکی از فعالترین اعضای بدن آدمی است و به نمایندگی از همه اعضا با دیگران ارتباط برقرار می کند، پیمان می بندد، خرید و فروش می کند، می بخشد، جنگ و صلح راه می اندازد، ایمان و کفر او را بر ملا می سازد و... به همین دلیل باید به دقت کنترل شده، تربیت گردد تا به میانه روی و اعتدال عادت کند؛ به این معنی که جز در مواقع ضروری سخن نگوید و سخن حق را صواب بگوید، ذکر بگوید، نصیحت کند، تعلیم دهد و تعلیم ببیند، از سوی دیگر یاوه نبادد، تهمت نزند، فتنه گری نکند، فحش و ناسزا نگوید، سخنان کفر آمیز و شرک آلود بر لب نیاورد و... خلاصه مهمترین امر در سخن گفتن نیز رعایت اعتدال و نیز به جا سخن گفتن است به این معنا که باید حکیمانه توأم با فصاحت و بلاغت سخن گفت تا موثر و کارآمد واقع شود (همان منبع: ۹).

اسلام به حفظ نهاد خانواده اهتمام ویژه ای دارد. در یک جمله می توان گفت خانواده شاهراه اصلی رسیدن به پیشرفت و کمال است و همین جایگاه عظیم سبب شده که عوامل مختلف دست به دست هم دهند تا این مسیر را مسدود کنند. دشمن از این راه درصدد است تا با هدف گرفتن خانواده و تقدس زدایی و از بین بردن کارکردهای آن جلوی پیشرفت جامعه را بگیرد، زیرا پیشرفت و سلامت جامعه در گرو خانواده سالم است (همان منبع).

یکی از راهبردهای غرب در راستای این هدف، تغییر سبک زندگی است. این پدیده را که از پایه های اصلی مدرنیته به شمار می رود و تغییر ارزش ها را نیز به دنبال دارد، می توان عامل اصلی طلاق در عصر حاضر به شمار آورد که سبب کم رنگ شدن معنویت و تغییر هویت فردی و اجتماعی و در نتیجه تضعیف و فرو پاشی نهاد مقدس خانواده می شود (همان منبع).

اهمیت خانواده و نقش آن در جامعه بشری از رهاورد تامل و تفکر در دو بعد وجودی انسان آشکار می گردد. خانواده یک واحد اجتماعی است که هدف از آن در نگاه قرآن، تامین سلامت روانی برای سه دسته است: زن و شوهر، پدر و مادر و فرزندان.

همچنین هدف، ایجاد آمادگی برای برخورد و رویارویی با پدیده های اجتماعی است. در آیه ۷۴ سوره فرقان می خوانیم:

«والذین یقولون ربنا هب لنا من ازواجنا قره اعین و اجعلنا للمتقین اماما؛ و کسانی که می گویند ما را از همسرانمان نور چشمان بخش و ما را رهبر پرهیزکاران گردان». این آیه بر اهمیت خانواده و پیش آهنگی آن در تشکیل جامعه نمونه انسانی اشاره دارد، چنان که پیوندهای سالم و درخشان خانوادگی را ایده آل پرهیزکاران معرفی می کند (همان منبع).

در درون واحد اجتماعی خانواده پدر و مادر از آغاز تولد کودکان به عنوان الگو برای آنان مطرح هستند. نقش معنای اهمیت خانواده در بهسازی وضعیت بشر نیز در همین واقعیت نهفته است. در نگاه پیشوایان دین، باورها، سبک زندگی، عادت ها، تمایلات و اهداف والدین از مهمترین عوامل تاثیر گذار بر کودکان هستند؛ بنابراین نوع رفتار والدین در هماهنگ سازی خواست ها و تمایلات خودشان از یک سو و تمایلات خانوادگی و اجتماعی از سوی دیگر و همچنین تلاش پیوسته آنان برای تامین رفاه و سلامتی روانی خانواده و نوع برخوردشان با وظایف دینی و اجتماعی از عوامل ایجاد هسته تعاون و همکاری اجتماعی در کودک شمرده می شوند. ارزش خانواده بیش از هر چیز بر پایه مودت و دوستی بین اعضای آن استوار است؛ اعضای که انجام حقوق متقابل، آنان را در کنار یکدیگر نگاه داشته است و اگر این جریان بر اساس دوستی و تفاهم و بر کنار از منیت ها ادامه یابد به کمال انسانی مورد انتظار خواهد انجامید (همان منبع).

۴- صله رحم

یکی از مسائل مهمی که اسلام بسیار به آن پرداخته است مساله صله رحم است. بعضی از خانواده ها به دلایل بی اساس با فامیل قطع رابطه دارند و از پیامد سوء آن غافلند. رسول خدا فرمود: هنگامی که علم پدیدار، ولی از عمل به آن خودداری شود و (نیز) زبان های مردم (به ظاهر) موافق و دل های آنان (در باطن) مخالف یکدیگر باشد و قطع رحم رواج پیدا کند، در چنین روزی خداوند بر آن مردم لعنت می کند و آنها را گنگ و نابینا می سازد تا از دیدن و شنیدن حقایق محروم گردند (همان منبع: ۱۰).

در خانواده والدین با آگاهی دادن فرزندان خویش با آداب مهمانی، آنها را در طی مراحل کمال در زندگی خویش یاری می نمایند. پیغمبر فرمود: «هر که ایمان به خدا و روز جزا دارد باید مهمانش را گرمی دارد و مهمانی تا سه شبانه روز است و بالاترین صدقه است و بخشش تا یک شبانه روز و نشاید مهمان وارد بر قومی آنها را دلتنگ کند تا آنها را بیرون کند یا بیرونش کنند». امام صادق از قول پیغمبر فرمود: «برکت شتابان تر است به سوی کسی که اطعام می کند از کار به کوهان شتر». همچنین پیغمبر فرمود: «مهمان روزی خود را نزد میزبان آورد و چون خارج شود همه گناهانش را برد» (همان منبع).

۵-دوری از اسراف و تبذیر

از آنجایی که منابع مصرف در عالم کمیاب و استفاده بی رویه از آن سرمایه، مصرف میانه روانه را هم با مشکل مواجه و توازن میان منابع و مصرف را متزلزل می نماید، عقل و نقل حکم می کند در شیوه مصرف خود تجدید نظر نمائیم تا موازنه عقلی میان منابع و مصرف را ترسیم نماید (همان منبع).

اسراف به معنای افراط و تجاوز از حد در هر کاری است و تبذیر که به معنای پراکندن و بذر افشانی است، به کنایه برای ضایع کردن ثروت به کار رفته می شود. دو عمل یاد شده از نظر عرف و عقل و منطق، نکوهیده و محکومند و از دیدگاه شرع مقدس نیز به شدت مورد نکوهش قرار گرفته اند. منابع نعمت است و مصرف بی رویه از منابع کفران نعمت و ناسپاسی. اسراف نه تنها منابع را افزایش نمی دهد، بلکه آن را ضایع و نابود می سازد و از آن می کاهد. منابع هر کشوری سرمایه ملی آن کشور به حساب می آید. مدیریت صحیح بر منابع و مصرف ضامن حفظ سرمایه است و بی خیالی و بی تفاوتی نسبت به منابع و مصرف، بی تفاوتی نسبت به سرمایه ملی است. ای بسا بسیاری از بلاهای طبیعی مثل قحطی و خشکسالی در جهان علاوه بر این که بخشی از آن به توزیع ناعادلانه و ظالمانه منابع و ثروت مربوط می باشد، بخشی هم مربوط به کفران و بی رویه استفاده کردن منابع در مصارف مسرفانه است (همان منبع).

منابع

۱. آجیلی، هادی و بیگی، مهدی، (۱۳۹۲)، کالبد شکافی سبک زندگی در جامعه سرمایه داری، فصلنامه فرهنگ مشاوره و روان درمانی (ویژه نامه سبک زندگی اسلامی)، سال چهارم، شماره ۱۳، صفحه ۸۱ - ۱۱۰.
۲. آرمند، محمدعلی و رسولی نژاد، سید پویا، (۱۳۹۴)، بررسی رابطه سبک زندگی اسلامی با نشاط اجتماعی و رضایت از زندگی شهر یزد، مجموعه مقالات نخستین همایش ملی سبک زندگی، نظم و امنیت، صفحه ۱ - ۱۹.
۳. آذرشب، معصومه و میر مرادی، عیسی، (۱۳۹۳)، شاخصه های سبک زندگی اسلامی، مجموعه مقالات اولین کنفرانس ملی تحقیق و توسعه در هزاره سوم دانشگاه آزاد اسلامی واحد علی آباد کتول، صفحه ۱ - ۱۲.
۴. ابادری، یوسف و چاوشیان، حسن، (۱۳۸۱)، از طبقه اجتماعی تا سبک زندگی؛ (رویکردهای نوین در تحلیل جامعه شناختی هویت اجتماعی)، نامه علوم اجتماعی، شماره ۲۰، صفحه ۳-۲۷.
۵. استاجی، زهرا و همکاران، (۱۳۸۶)، بررسی سبک زندگی در ساکنین شهر سبزوار، مجله دانشکده علوم پزشکی و خدمات بهداشتی و درمانی سبزوار، دوره سیزدهم، شماره ۳، صفحه ۱۳۴ - ۱۳۹.
۶. اصمی اصطهباناتی، مریم و گروسی، سعیده، (۱۳۹۳)، سبک زندگی دینی و عوامل موثر بر آن در بین دانشجویان دانشگاه شهید باهنر کرمان، مجله فرهنگ در دانشگاه اسلامی، سال چهارم، شماره ۴، صفحه ۵۱۵ - ۵۳۸.

۷. افشانی، سید علیرضا و دیگران، (۱۳۹۳)، بررسی رابطه سبک زندگی اسلامی با سلامت اجتماعی مردم شهر یزد، دو فصلنامه علمی پژوهشی مطالعات اسلام و روان شناسی، سال هشتم، شماره ۱۴، صفحه ۸۳ - ۱۰۳.
۸. پورکریمی، اسلام، (۱۳۸۳)، اعتدال و میانه روی در اسلام، ماهنامه شمیم یاس، سال چهارم، شماره ۱۴، صفحه ۶ - ۸.
۹. جلائی پور، حمید رضا و محمدی، جمال، (۱۳۸۷)، نظریه های متأخر جامعه شناسی، تهران: نشر نی.
۱۰. چانی، دیوید، (۱۳۷۸)، سبک زندگی، ترجمه حسن چاوشیان، تهران، انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۱۱. خواجه نوری، بیژن و دیگران، (۱۳۹۰)، سبک زندگی و مدیریت بدن، فصلنامه علمی پژوهشی جامعه شناسی زنان، سال دوم، شماره ۴، صفحه ۲۱ - ۴۷.
۱۲. خوشنویس، ناهید، (۱۳۸۹)، رسانه و سبک زندگی، ماهنامه علمی تخصصی انجمن روابط عمومی ایران، شماره ۷۳، صفحه ۹ - ۱۷.
۱۳. ربانی خوراسگانی، رسول و رستگار، یاسر، (۱۳۸۷)، جوان، سبک زندگی و مصرفی، ماهنامه مهندسی فرهنگی، سال سوم، شماره ۲۳ و ۲۴، صفحه ۴۴ - ۵۳.
۱۴. رجب نژاد، محمدرضا و دیگران، (۱۳۹۲)، بررسی سبک زندگی اسلامی از منظر حیات طیبه در قرآن (سبک زندگی با محوریت سلامت)، سال اول، شماره ۱، صفحه ۹ - ۲۶.
۱۵. رستمی، احسان و اردشیرزاده، مرجان، (۱۳۹۲)، نگاهی به نظریه های سبک زندگی، فصلنامه مطالعات سبک زندگی، سال دوم، شماره ۳، صفحه ۹ - ۳۱.
۱۶. رسولی، محمدرضا، (۱۳۸۳)، بررسی مولفه های سبک زندگی در تبلیغات تجاری تلویزیون، فصلنامه علمی پژوهشی علوم اجتماعی، سال دوم، شماره ۱، صفحه ۴۳ - ۹۴.
۱۷. زاکرمن، فیل، (۱۳۸۴)، درآمدی بر جامعه شناسی دین، ترجمه خشایار دیهیمی، تهران، انتشارات لوح فکر.
۱۸. سهرابی رنالی، مریم، (بی تا)، مولفه های سبک زندگی در اسلام، سایت: rahebartar.ir، آدرس کامل:
- <http://rahebartar.ir/article/show//http/۳۸۰>، تاریخ درج مطلب در سایت: ندارد، تاریخ مشاهده مطلب:
- ۹/۲/ ۱۳۹۴.
۱۹. شریفی، احمد حسین، (۱۳۹۱)، سبک زندگی به عنوان شاخصی برای ارزیابی سطح ایمان، مجله معرفت فرهنگی اجتماعی، سال سوم، شماره ۳، صفحه ۴۹ - ۶۲.
۲۰. شوشتری زاده، شهناز، (۱۳۸۲)، بررسی تأثیر آموزش رفتارهای سلامتی بر تغییر روش زندگی مبتلایان به بیماری عروق کرونر قلب مراجعه کننده به بیمارستانهای منتخب شهر اصفهان در سال ۱۳۸۲، پایان نامه کارشناسی ارشد، اصفهان دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوراسگان.
۲۱. صفار هرنندی، سجاد، (۱۳۸۹)، سبک زندگی چند سال دارد؟(تاریخچه تولد مفهوم سبک زندگی در علوم اجتماعی)، سوره اندیشه، شماره ۴۶، صفحه ۶۰ - ۶۱.

۲۲. فاضلی، محمد، (۱۳۸۲)، مصرف و سبک زندگی، قم، انتشارات صبح صادق.
۲۳. فتحی، سروش و مختاریپور، مهدی، (۱۳۹۳)، بررسی نقش و تاثیر رسانه های نوین تصویری در تغییر سبک زندگی (مورد مطالعه: دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم تحقیقات تهران)، مجله مطالعات توسعه اجتماعی ایران، سال ششم، شماره ۲، صفحه ۱۰۱ - ۱۱۸.
۲۴. فیست، جس و فیست، گرگوری، (۱۳۹۴)، نظریه های شخصیت، ترجمه یحیی سید محمدی، تهران، نشر روان.
۲۵. فیضی، مجتبی، (۱۳۹۲)، درآمدی بر سبک زندگی اسلامی، ماهنامه علمی ترویجی معرفت، سال بیست و دوم، شماره ۱۸، صفحه ۲۷ - ۴۲.
۲۶. کاویانی، محمد، (۱۳۹۱)، سبک زندگی اسلامی و ابزار سنجش آن، تهران، انتشارات پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۲۷. کاویانی، محمد، (۱۳۹۰)، کمی سازی و سنجش سبک زندگی اسلامی، مجله روان شناسی دین، سال چهارم، شماره ۲، صفحه ۲۷ - ۴۱.
۲۸. کجباف، محمدباقر و دیگران، (۱۳۹۰)، رابطه سبک زندگی اسلامی با شادکامی در رضایت از زندگی دانشجویان شهر اصفهان، مجله روان شناسی و دین، سال چهارم، شماره ۴، صفحه ۶۱ - ۷۴.
۲۹. گیدنز، آنتونی، (۱۳۸۵)، تجدد و تشخص (جامعه و هویت شخصی در عصر جدید)، ترجمه ناصر موفقیان، انتشارات نشر نی.
۳۰. گیدنز، آنتونی، (۱۳۷۷)، پیامدهای مدرنیت، ترجمه محسن ثلاثی، تهران، انتشارات نشر مرکز.
۳۱. گیدنز، آنتونی، (۱۳۸۳)، چشم اندازه های جهانی، ترجمه محمدرضا جلالی پور، تهران، انتشارات طرح نو.
۳۲. گیدنز، آنتونی، (۱۳۸۸)، جامعه شناسی، ترجمه منوچهر صبوری، تهران، انتشارات نشر نی.
۳۳. لطفی، کیوان، (۱۳۹۰)، بازنمائی الگوهای سبک زندگی در سریال های تلویزیونی، پایان نامه مقطع کارشناسی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران، به راهنمائی محمد مهدی زاده.
۳۴. مجدی، علی اکبر و دیگران، (۱۳۸۹)، سبک زندگی جوانان ساکن شهر مشهد و رابطه آن با سرمایه فرهنگی و اقتصادی والدین، مجله علوم اجتماعی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد، شماره ۲، صفحه ۱۳۱ - ۱۶۱.
۳۵. محمدی، افشین و بی بک آبادی، غزال، (۱۳۸۹)، بررسی مولفه های سبک زندگی و الگوی رفتار در فیلم های سینمایی پر فروش، نامه پژوهش فرهنگی، سال یازدهم، شماره ۱۱، صفحه ۹۷ - ۱۳۸.
۳۶. مهدوی کنی، محمد سعید، (۱۳۸۶)، مفهوم سبک زندگی و گستره آن در علوم اجتماعی، فصلنامه تحقیقات فرهنگی، سال اول، شماره ۱، صفحه ۱۹۹ - ۲۳۰.
۳۷. مهدوی کنی، محمد سعید، (۱۳۸۷) دین و سبک زندگی، تهران، انتشارات دانشگاه امام صادق (ع).

۳۸. نیازی، محسن و کارکنان نصر آبادی، محمد، (۱۳۹۲)، بررسی رابطه بین دینداری و سبک زندگی شهروندان (مطالعه موردی شهروندان شهرستان کاشان در سال ۱۳۹۰)، فصلنامه برنامه ریزی رفاه و توسعه اجتماعی، شماره ۱۶، صفحه ۲۱۳ - ۱۷۳.

۳۹. Adler , A, (۱۹۵۶), The Individual Psychology of Alfred Adler, New York: Basic Books

Inc.

۴۰. Chaney, D, (۱۹۹۶), Life style, London, Routledge.

۴۱. Machin, D & Leeuwen, T.V, (۲۰۰۵), Language style and lifestyle: The Case of a

Global Magazine , Media, culture & ; Society , ۲۷ (۴): ۵۷۷ - ۶۰۰

۴۲. Msn, Encarta Dic, www.Msn.com, (۲۰۰۴).

۴۳. Nettelton, s, (۱۹۹۸), Body in Everyday Life, London and New York: Routledge.

۴۴. O ford Advanced Leners Dic , (۱۹۸۷).

۴۵. Sobel, M, (۱۹۸۱), Lifestyle and social structure: Concepts, Definition and Analyses,

Academic Press.

۴۶. Webster Online, Dic, (۱۹۹۶).

۴۷. Webster Online , Dic , (۲۰۰۴).

۴۸. Wilska, T, (۲۰۰۲), New Technology and Young Peoples consumer. Indentities: A

Comparative , study Between Finland and Brazil, ۱۵; ۳۴۳ - ۳۵۲

۴۹. Wolman, B, (۱۹۸۱), Contemporary Theories & System in Psychology, Plenum Press.

The components and Indicators of Islamic Lifestyle

Hossein Mazaheri^۱ , Jamshid Ebrahimipour Samani^۲, Seyyed Daryush Rahimi^۳

۱. Expert in cultural affairs of the Department of Culture and Islamic Guidance of the city of Saman

۲. Faculty member of Payam Noor University, Shahrekord Branch

۳. Faculty member of Payam Noor University, Ardal Branch

Abstract

One of the viewpoints having been expressed by the Supreme Leader in recent years to the youth is the issue of